# خرده اوستا

## رشید شهمردان


۱- پیش گفتار .....
۲- سد و یک نام خدا .....
۳- اوستاهای بایسته .....
۴- خورشید نیایش .....
۵- مهر نیایش .....
۶- پنج گاه .....
۷- ماه نیایش .....
۸- هورمزد یشت .....
۹- اردیبهشت یشت .....
۱۰- الفبای دین دبیره .....

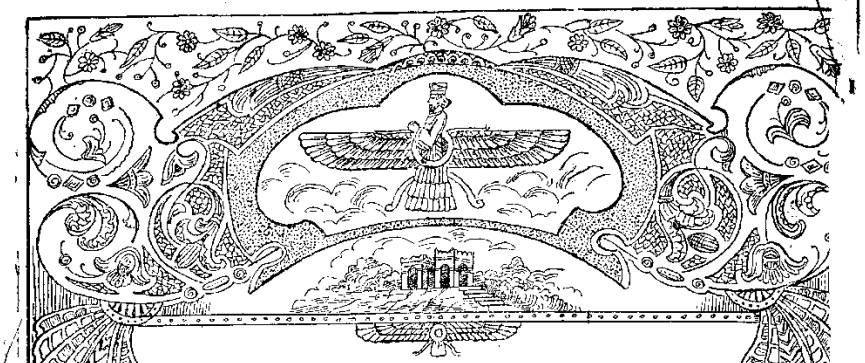

(یک راه هست و آن راستی است)

# خُرده اوستا

از روی درست ترین نامه های پیشین و آهنگ اصلی اوستا
بپارسی در آورده شده است


نگارش و گرد آوردهٔ

رشید شهمردان



چاپ اول



حق چاپ و تقلید محفوظ و منوط باجازهٔ نگارنده است



از انتشارات انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی

بسالهٔ شهریور و شهریور ماه ۱۳۰۸ یزدگردی باستانی

بمبئی

Edited by Rashid Shahmardân. Printed by Anthony F. de Sousa at the Fort Printing Press, 23, Goa Street, Ballard Estate, Bombay, and Published by P. P. Bharucha, Hon. Secy., The Iranian Zoroastrian Anjuman, at Kermani Building, Pherozeshah Mehta Road, Fort, Bombay—India.

بروان

بهشت آشیان جمشید خدا رحم نرسی آبادی

نیاز میگردد

# فهرست مندرجات


| | صفحه |
|---|---|
| دیباچه | هفت |
| صد و یك نام خدا | ۲ |
| اشم وهو ـ اهون ور | ۵ |
| سروش باج | ٦ |
| کشتی بستن | ۱۰ |
| برساد | ۱۳ |
| تندرستي | ۱٤ |
| نام ستایش | ۱۷ |
| خورشید نیایش | ۱۹ |
| مهر نیایش | ۲٦ |
| گاه هاون | ۲۹ |
| گاه رپتون | ۳۲ |
| گاه ازیرن | ۳۵ |
| گاه ایوسریترم | ۳۸ |
| گاه اشهن | ٤۲ |
| ماه نیایش | ٤۵ |
| هرمزد یشت | ٤۹ |
| اردیبهشت یشت | ٦۱ |
| سروش یشت سرشب | ٦۸ |
| سروش یشت هادخت | ۷۹ |
| ورهرام یشت | ۸۷ |
| هفتن یشت | ۱۰۵ |
| آتش نیایش | ۱۱۰ |
| آبزور | ۱۱۵ |
| همازور فروردینگان | ۱۲۳ |
| همازور دهمان | ۱۲۸ |
| کرده سروش | ۱۳٤ |
| آفرینگان دهمان | ۱۳۹ |
| آفرینگان گهنبار | ۱٤۳ |
| آفرینگان پنجه وه | ۱٤۸ |
| آفرینگان رپتون | ۱۵۳ |
| اوستای دادگاه | ۱۵۷ |

فهرست مندرجات


| | صفحه |
|---|---|
| پتت ودردگان | ۱۵۸ |
| افسون شاه فریدون | ۱۷۸ |
| الفبای اوستا یا دین دبیره | ۱۸۶ |
| [illegible] | ۱۸۹ |
| [illegible] | ۱۹۲ |
| [illegible] | ۱۹۲ |
| [illegible] | ۱۹۲ |
| [illegible] | ۱۹۸ |
| [illegible] | ۲۰۰ |
| [illegible] | ۲۰۸ |
| [illegible] | ۲۱۲ |
| [illegible] | ۲۱۶ |
| [illegible] | ۲۲۰ |
| [illegible] | ۲۲۳ |
| [illegible] | ۲۲۸ |
| [illegible] | ۲۳۱ |
| [illegible] | ۲۳۶ |
| [illegible] | ۲۵۰ |
| [illegible] | ۲۵۸ |
| [illegible] | ۲۷۰ |
| [illegible] | ۲۸۰ |
| [illegible] | ۳۰۰ |
| [illegible] | ۳۰۶ |
| [illegible] | ۳۱۳ |
| غلطنامه | ۳۲۲ |


# دیباچه

## بنام خداوند بخشایندهٔ بخشایشگر مهربان

پس از سپاس و ستایش بیشمار از دادار اهورامزدا و فراوان درود بر وخشوران وخشور سپیتمان زرتشت و همه برگزیدگان و راهنمایان دین اشو چنین گوید گرد آورندهٔ این نامهٔ مینوی که چون در این اوان فرخنده که از همت پدر تاجدار اعلیحضرت پهلوی زندگانی اجتماعی و انفرادی ایرانیان سرو روئی بخود گرفته، پایهٔ دانش و بینش بکلی تبدیل و روش جدید و اسلوب نوی زیب افزای دانشکده های ایران گردیده؛ اشتباه کاریهای سابق بدرستی مبدّل و اشکالات پیشین بآسانیها رامش پذیرفته و هر روزه در پاک کردن زبان فارسی ازکلوخهائی که سبب نازیبائی آنست کوشش رسا بکار میرود، چنانکه دین و آئین ایران باستان که قرنها در پس ابری تیره و تار پنهان میبود اکنون بابسی فرّ و شکوه از افق درخشان کیهان سر بر آورده؛ دانشجویان و مشتاقان، باخبران و بیخبران از هر سوی در پی یابش آن میباشند و وزارت فرهنگ هم برای کمک بمنظور خواستاران ادبیات باستانی و بسط آموزاندن فلسفهٔ و آئین و تاریخ ایران باستان دانشپایهٔ در دانشگاه تهران برای تدریس پهلوی و اوستا مخصوص گردانیده است، پس بر زرتشتیان بایسته و فرض است که بسهم خویش در پخش کردن ادبیات مزدیسنا بویژه درست نمودن تلفظ خرده اوستا که نماز روزانه و از یکقرن پیش باینطرف بطور نا درست در سر زبان پیر و جوان [redacted] و بهدین جاری است بکوشند و اشتباهات پیشین را ترک گویند

## سبب نگارش

اگرچه تا بحال خرده اوستا های بیشمار یکی از روی دیگری بدون بازرسی باصل نسخه چاپ و هرکس بخیالی جداگانه و اسلوبی دیگر گون کلام

وخشور ایران را بر روی برگهای کاغذ آورده منتشر نموده است ولی چاپ آنها بیشتر بمنظور کسب و درآمد بوده نه درستی و راستی واژه ها وخدمت به بهدینان یا گروه مزدیسنان.

در دوره های پیش کلیه اوستا را با الفبای اوستا یا (دین دبیره) مینوشته اند نه با الفبای فارسی معمول کنونی که بظن غالب نیم قرن از عمر آن نمیگذرد. اولین کسی که خرده اوستا را بفارسی در آورده چه در حروف و یا تلفظ واژه ها اشتباهات زیادی را مرتکب گردیده است که ما بذکر نمونه چند از آن میپردازیم

مثلاً حرف ه اوستا یا پ فارسی را در بیشتر جاها به ف مانند آیم را آفم نگاشته است در صورتیکه برای ف فارسی در اوستا حرف ه موجود است مانند فرادَت فشوِ همچنان حرف ه ته (ت با ه در یك آن با فشار نوك زبان بدندان جلوی تلفظ میشود) در جائی ت مانند خشن اتهرَ را خشنوتره نوشته و در جائی ث که آوَته را اوثه خوانده و در جائی تبدیل به س مانند تهریز فنم که سره زفه نم شده است

حرف ه که در اوستا بسیار یافت میشود و بمنزله ذ فارسی است هیچ در خرده اوستاهای مذکور پیدا نمیشود و همه جا آن را دال نوشته اند مانند خذاتهِ که خداتهه نموده اند دال فارسی در اوستا چنین ه مینویسند. اشتباه دیگری که از ذکرش ناگزیریم اینست که تقریباً اولین و دومین حروف بیشتر واژه های اوستا ساکن است اما درخرده اوستای فارسی تمام حروف اول با صدا تلفظ میشود

مقصود ما از ذکر یاد داشتهای بالا خرده گیری برنگارنده اولین اوستای فارسی نیست بلکه زحمات او قابل تقدیر و در زمان خود کار مهمی را انجام داده است اما جای تاسف است که در چاپهای بعد هیچ کوششی در اصلاح آن بکار نرفته بلکه باعدم دقت کم کم کتابهای نا درست تری بین مردم پخش شده است.



## چگونگی اشتباه اشم و هو و یتها اهو

اشتباه بزرگ دیگری که از ۲۱۲ سال پیش دامنگیر زرتشتیان ایران گردید تلفظ واژه های اشم و هو، یتها اهو، هومت، هوخت و هورشت است که آنرا اشم و هی، یتا اهی، همت، هیخت و هورشت میخوانند. این اشتباه ناشی از کلك موبد رستم کشتاسب اردشیر شد که در سال ۱۰۹۰ یزدگردي یك نسخه اوستا برای فرزند خویش نگاشت که بعد ها دیگران از آن استنساخ کرده اند. نسخه نامبرده قدیمترین کتابی است که اشم وهی و یتا اهی را بما نشان میدهد در حالیکه در همه نسخه هاي خطی پیش از آن اشم وهو و یتها اهو نوشته شده است. از آن جمله است: —

نسخه خطی بخط اردشیر پور بهمن که در ۷۵۴ سال پیش در شهر یزد در سنه ۵۵۴ یزدگردي بامر استاد خود موبد ماهداد از یك نسخه قدیمتری که بخط هیربد هوماست؟ بوده رو نویس کرده است

نسخه خطی ۶۱۵ سال کهنه ساله روز دین و ماه تیر سال ۶۹۳ یزدگردي بخط هیربد رستم مهربان که از ایران بسوی هندوستان رهسپار شده است

یك نسخه خطي ۶۱۶ ساله مورخه سال ۶۹۳ یزدگردی

یك نسخه خطی ۶۱۸ ساله مورخه ۶۹۰ یزدگردی که با ۴۲ نسخه خطي دیگر در دانشگاه کو پنهاك محفوظ است

یك نسخه خطی مورخه سال ۷۲۱ یزدگردی و نسخه خطی دیگری مورخه آدر روز و آبانماه که در سنه ۹۸۷ یزدگردي در ۳۲۱ سال پیش در قریه ترك آباد یزد نوشته شده است. و مانند آن، که ذکر همه سخن را بدرازا کشاند

اینك به بینیم موبد رستم کشتاسب اردشیر هنگام رو نویسی اوستا چگونه آشمْ وُهو و یَتها آهو را اشتباهاً در نسخهٔ خود اشم وهي و یتها اهی نوشت. چنانکه دیده میشود حرف ه (او) با حرف ه (ئی) چندان تفاوت ندارد خط

زیرین این کوتاه تر و رو بسوی راست و خط زیرین آن کشیده تر و رو بسوی چپ میباشد نویسندگان و خوشنویسان چندان فرقي در نوشتن آن نگذاشته حتی گاهی بعضی از خوشنویسان با سلیقه هنگام نگارش مانند حروف لاتین (۱) J J n u R K I J n u A H B با نقش و نگار نوشته اند که خواندن را مشکل و موبد رستم نامبرده را در تمیز حروف ﻫ و ﻫ دچار اشکال گردانیده در نسخه خطی خودش که ذکرش گذشت اشم و هو را اشم وهی و یتها اهو را یتها اهی نگاشته که بدون معني و مفهوم است

وُهو یا هو بآرش بهتر بنا براین هومت و هوخت و هورشت بآرش خیال نیك و گفتار نیك و کردار نیك است بدینطریق که مت خیال، و اوخت گفتار و ورشت کردار که با ترکیب واژهٔ هو هو (۲) میشود. بقضاوت عقل سلیم موبد رستم نامبرده در نگارش هت، هیخت و هورشت اشتباهاً حرف ﻫ را ﻫ فرض کرده هیخت نگاشته است زیرا که دروازه مت، هو و دروازه ورشت هو بآرش بهتر است پس در واژه اوخت هم هو باید باشد نه هی که هیچ معنی از آن اراده نمیشود

آهو دروازهٔ یتها بمعنی سالار، سالار جهان روحاني که اهورا مزدا است اراده میشود این کلمه هنوز هم با همان آرش در ادبیات فارسی بشکل هو باقی است چنانکه شمس تبریزی فرماید :—

هوالاول هوالآخر هوالظاهر هوالباطن بجز یا هو و یا من هو دگر چیزی نمیدانم

---

(۱) از حروف لاتین بالا اشکال خواندنش بخوبی آشکار است چنانکه H-K و J-I شبیه بهم و تمیز u-n کاری مشکل است حروف نامبرده بترتیب عبارتند از: I J n u R K I J n u A H B

(۲) هوخت اصلا هو — هوخت بوده در ترکیب واژه مرکب دو « ه » او کوتاه تبدیل بیك « ﻫ » او کشیده میشود



## شادروان دینشاه ایرانی

اول کسی که پي باشتباهات خرده اوستای فارسی برد و از دیر زمانی در خیال چاپ آن با تلفظ درستی بود شاد روان آقای دینشاه جی‌جی باهای ایرانی است پاك نهادی که با کوشش خستگي نا پذیر خود تالیفات زیادي را در فلسفه و تاریخ ایران باستان و ادبیات مزدیسنا بفارسی منتشر ساخته، حقیقت و زیبائی آئین نیاگان باستانی خود را بایرانیان فهمانیده آنان را شیفته فرّو شکوه وابهت ایران باستان و نیاگان راستگوی خود گردانید. آن پاك نهاد بهشت آشیان در نظر داشت خرده اوستائی را با الفبای اوستا ( دین دبیره ) برای نوآموزان و دانشجویان زرتشتی آماده و چاپ نماید تا جای خرده اوستاي فارسی را در دبستان و دبیرستان گرفته و اوستای درست با تلفظ صحیح خاطر نشین جوانان گردد و اشتباهاتی که از سالها دامنگیر ماست از بین برود. اما بد بختانه نا خوشی و بستری دائمی و بالاخره مرگ ناهنگام نگذاشت آنمرحوم بانجام خیالات خود کامروا گردد

خوشبختانه روزی که نگارنده برای عیادت آن شاد روان رفته بودم (و آن آخرین بار ملاقات بود) ذکری از خرده اوستای فارسی و تصحیح اشتباهات آن و لزوم نگارش اوستای دین دبیره و فارسی با نشانه ها و صداها برای سهولت خواندن قسمت اوستا بمیان آمده انجام آن را بعهده اینجانب واگذار نمود، با آن مهربانیهای پدرانه که آن بهشت آشیان نسبت بنگارنده مبذول فرموده کوشش در انجام آرزوی دیرین آن پاك نهاد را بایسته و فرض خود شمرده بقدر توانائی خویش کوشیدم؛ امید است پسند خداوندان دانش افتد

برگزیدگان فروهیده انجمن زرتشتیان کرمان نیز بنوبه خود در چند سال گذشته باهمیت این مسئله برخورده در خصوص چاپ خرده اوستا در

الفبای اوستا (دین دبیره) و لزوم آن پیشنهادی بانجمن محترم زرتشتیان ایرانی بمبئی نموده بودند که بدبختانه بواسطه کسالت و غیبت طولانی رئیس محترم آن، شاد روان آقای دینشاه ایرانی انجامش بتأخیر افتاد

## اسلوب نگارش

مقصود از نگارش این نامه مینوی خواندن نماز روزانه از روی بخش فارسی آن نیست بلکه از روی بخش اوستائی آن است که از صفحه ۱۸۵ شروع میشود. بخش شدن چنین اوستائی در نخستین بار در ایران و ندانستن و عادت نداشتن عامه بآن، بخش فارسی با نشانه ها و صداها برای مراجعه و آسانی خواندن آن نگاشته باهم چاپ شد. چون در اوستا صداها و حرفهائی است که در فارسی وجود ندارد نگارش آن کاری بس دشوار است، نه آنکه نگارشش در فارسی امکان ندارد بلکه در گجراتی هم که الفبایش بالنسبه کامل تر از فارسی است خالی از اشکال نیست. همانطوریکه خرده اوستای فارسی سراپا غلط خوانده میشود اوستای گجراتی هم خالی از اغلاط نبود تا آنکه در نیم قرن اخیر دانشمند مشهور و استاد اوستا و پهلوی، شاد روان کاوسجی ایدلجی کنگا با اتخاذ حروف و علاماتی چند از سانسکریت اوستای درستی در گجراتی تألیف کرد و کتابهای نادرست پیش از بین برداشته شد. نگارنده نیز در نگارش این نامه برای دو حرف از اوستا که چارهٔ نبود ناگزیر یك حرف از تازی و یك حرف از زبان اردو قرض کرده شامل این نامه ساخت و آن حرف « ﻥ » آ فارسی که تلفظ آن در بینی است ون کوچکی برای تمیز بالای الف قرار داده شد که در کلام مجید غالباً استعمال شده است. حرف ﺙ ﺗﻪ که ت ه در یك آن بافشار نوك زبان بدندان جلوی ثنایا تلفظ میشود. بخش فارسی این نامه آنچنان که منظور ما بود از چاپ خوب بیرون نیامد و علت آن همانا هندی بودن خوشنویس و اغلاط زیاد هنگام تحریر بواسطه عدم آشنائی با واژه های اوستا و تصحیحات مکرره روی سنگ میباشد که زیبائی آن را از بین برده است



کلیهٔ اوستای فارسی را نمیتوان با همان آهنگ اوستای دین دبیره بتحریر در آورد زیرا که کمی حروف علت در فارسی دایرهٔ تلفظ را محدود ساخته است. 'ا، او، ئی در اوستا هرکدامی دو قسم است یکی کشیده و یکی کوتاه و آ دو قسم تلفظ دارد یکی در بینی است و ا سه قسم که دو کشیده و یکی کوتاه میباشد. برابر آهنگهای نامبرده در فارسی آهنگی موجود نیست ما در هنگام نگارش ناگزیر بهمان یك قسم صدا از هرکدام در فارسی قناعت نموده ا - و - ی را در جایهائیکه بجای صداست بدون نشان قرار دادیم مانند نائیذْ یاوْنگهمْ nāidhyāvnghem آهورَه ahurahe سْنئی تیشَ snaithisha و در جایهائیکه بجای حروف صحیح است با نشان نوشته شد مانند خشنَ اثرَ khshnaothra نَوَ nava بوی booye

بسیاری از حروف اول و دوم واژه های اوستا ساکن است که ما برآن نشان جزم گذاشته ایم مانند دْرْونتم drvantem حروف ریز در بخش دین دبیره عبارت از جملات پازند است که برای امتیاز از اوستا بکار رفت. در بخش فارسی جملات و مصراعها را با علامت (—) و در دین دبیره با علامت (ا) از هم جدا شده است

نکته مهم دیگری را که نباید فراموش کرد و شاید اغلب پی بآن نبرده اند اینست که ترکیب اوستا یا از نظم است یا از نثر منظوم و همانطوریکه اشتباه سیلاب در خواندن اشعار فارسی آهنگهائی را که موجد اهتزازات و اثرات است خراب میکند همچنان خواندن اوستا هم بدون تلفظ صحیح اثرات روحانی خود را که در آینده برای سراینده دخالت مهمی دارد از بین خواهد 'برد. تغییر صدا در بسا از واژه های اوستا اختلاف فاحشی را در معنای کلمه بعمل میآورد که از نقطه نظر دینی و نماز بسیار نارو است

## متن کتاب

پروفسور وسترگارد خاور شناس نامی نخستین کسی است که درسال ۱۸۵ میلادی اوستا را با الفبای دین دبیره از روی نسخه های خطی

متعدد و تطبیق آنها، چاپ نمود. دانشمند نامبرده هنگام تدوین کتاب خویش که سالها در سر آن رنج برد از ٤٩ نسخه خطي (١) که قدمت بعضی از آنها بنزدیك هشتصد سال میرسد که در دسترس داشت و با باریك بینی و کنجکاوی دروازه ها و ملاحظه قوانین دستور که مخصوص دانشمندان اروپائی است اوستا را منتشر ساخته و زمینه تحقیقات خاور شناسان را از روی متن درست تهیه نمود. پس از وي پروفسور گلدنر در سال ١٨٩٦ میلادی بنابر خواهش برخی از دوستان خاورشناس خویش اوستا را بار دوم چاپ کرد و در سر تدوین آن و تطبیق و رو نویسی از ١٤٩ نسخه خطی (٢) که بدور خویش جمع کرده بود رنج بیشمار برد و براستی چنان کتابی زیبا و دلچسپ از چاپ در آورده منتشر ساخت که همواره دانشمندان محتاج بمراجعه بآن میباشند پس از آن هیربد تهمورس دینشاه انکلساریا که از پیشوایان دین مزدیسنا و استاد اوستا و پهلوی، بزرگی که مرجع اطلاعات خاورشناسان اروپائی و بسیاری مدیون کمك های معنوی او میباشند با تطبیق اوستای وسترگارد و گلدنر و باریك بینی های خود از نقطه نظر دینی اوستا را در بمبئی تدوین و متأسفانه پیش از چاپ بدرود زندگانی گفت. پس از او فرزند دانشمندش پروفسور بهرام گور استاد اوستا و پهلوی از جمله تألیفات پدر خود یزشنی با نیرنگ ویشت(٣) را چاپ و منتشر کرد و این همان کتابهائی است که با خرده اوستا(٤) تالیف خود پروفسور بهرام گور متن نگارش کتاب ماست که در نخستین بار به برادران دینی خود در ایران پیشکش میگردد

---

(١) برای اطلاع از چگونگي نسخه های خطی رجوع شود به
Zendavesta, by N. L. Westergaard, Vol. I, 1852-54.

(٢) برای اطلاع از چگونگی نسخه های خطی رجوع شود به
Avesta, by, Karl F. Geldner, 1896

(٣) یزشنی با نیرنگ تألیف شادروان هیربد تهمورس انکلساریا چاپ بمبئي ١٩٢٦ میلادی یشت تالیف تهمورس انکلساریا چاپ بمبئی ١٩٢٥

(٤) خرده اوستا تالیف بهرام گور انکلساریا چاپ بمبئی ١٩٣١



## سپاسگزاري

پیش ازپایان رسیدن گفتار سپاس فراوان تقدیم دانشمند نامی آقای سهراب بلسارا استاد اوستا و پهلوی میدارم که از آغاز نگارش این نامه مینوي تا انجام چاپ آن همراهی و کمك معنوی خود را از هر حیث دریغ نفرموده اند و نیز از دانشمند اوستا و پهلوي دان آقای بهرام گور انکلساریا که از تألیفات وي و شادروان پدرش تهمورس استفاده شده است و برادرش آقای هوشنگ انکلساریا که بخش دین دبیره را بروش نیکی در چاپ خانه خود از چاپ بیرون آوردند و از استاد اوستا و پهلوي آقای هیربد بهمن جي دهابر که از جزئیات نسخه هاي خطی آگاهم ساختند و یار وفادارم آقای کیخسرو اسفندیار افسری که در کمك در درست کردن نمونه های چاپ رنج بیشمار بردند سپاسمندم. از فروهیده انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی که گام نیك برداشته در چاپ و پخش کردن این نامهٔ مینوی کوشیدند نه اینکه تنها نگارنده بلکه همه زرتشتیان ایرانی باید سپاسگزار باشند

در انجام کلام از اهورا مزدا آرمان دارم که روان بهشت نشین آقای دینشاه ایراني سلیسیتر را در فردوس برین در بارگاه سرود و پرنور خویش شاد و خرم بداراد

رشید شهمردان

تاردو بمبئي بساله ٢٥ مرداد ١٣١٧ خورشیدی

به یاری اهورامزدا

از تاریخ ۱۰ ارد ۱۳۰۸ جشنی با حضور نمایندگان هیئت‌های
ارگان‌های اجتماعی زرتشتیان تشکیل که در پایان هیئتی
مرکب از موبدان سرشناسان: اردشیر آذرگشسب - رستم
شهزادی - فیروز آذرگشسب - دکتر سهراب هدایانجی و اردشیر
جهانیان و بدستیاری آقای هرمزدیار منوچهریان رابط
شورای دینی انجمن زرتشتیان. اختلافات لفظی موجود در
کتابهای اوستائی موجود بطرف کتاب خرده اوستای
ویژه دانش آموزان زرتشتی تهیه و چاپ شده است.
در این کتاب کوشش تا آن تغییرات متعلق گردد.

مهندس ماشالا خسروپانی

---

«ماشالا خسروپانی»

اَیُوَپتهاوُی اَشَه

# خرده اوستا

از روی درست ترین نامه‌های پیشین و آهنگ اصلی اوستا بپارسی درآورده شده است

نگارش

## رشید شهمردان

از انتشارات انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی

حق چاپ و تقلید بدون اجازهٔ نگارنده محفوظ است

تیرماه ۱۳۰۸ باستانی و ۱۳۱۹ خورشیدی

بمبئی

# صدویک نام خدا

بنام خداوند بخشاینده بخشایشگر مهربان

(۱) ایزت (۲) هرویسپ توان (۳) هرویسپ آگاه
(۴) هرویسپ خدا (خودا) (۵) اندره (جمع) (۶) اوه انجام (پترنه ترنه) (۷) بونسته
(۸) فراختنده (۹) جمع (۱۰) پرجهتره (۱۱) تومم افیه
(۱۲) ابرونت (۱۳) پروندهٔ (۱۴) ان ایافه (۱۵) (چیمنا)
هم ایافه (۱۶) آدرو (۱۷) گیرا (۱۸) اچیم (۱۹) چیمان
(۲۰) سپینا (۲۱) اوزا (۲۲) ناشا (۲۳) پروزا (۲۴)
(آیین آیین) (آن آیین) (خرم آشیتوم)
آیانه (۲۵) آئین آیانه (۲۶) ان آیانه (۲۷) خراشید
تومم (۲۸) مینتومم (۲۹) واسنا (۳۰) هرویستومم (۳۱)
هوسیپاس (۳۲) هرهمیت (۳۳) هرنگفره (۳۴)
بشترنا (۳۵) ترانیس (۳۶) انگشک (آوخشایا) (۳۷) فرشک
(۳۸) پزهده (۳۹) خواپر (۴۰) اواخشایا (۴۱) اوزا
(۴۲) اسیته (۴۳) رخه (۴۴) ورون (۴۵) افریپه



(۴۶) اوفریفته (۴۷) آذوئی (آذوی) (۴۸) کام رت
(۴۹) فرمان کام (۵۰) آیختن (۵۱) آفرمش (۵۲)
هارنا (۵۳) تنایا (۵۴) اترش (۵۵) ابیش
(۵۶) افرازدوم (۵۷) هچون (۵۸) مین ستیگر
(۵۹) امین گر (۶۰) مین نهب (۶۱) آذر باتگر
(۶۲) آذر نمگر (۶۳) بات آذرگر (۶۴) بات نمگر
(۶۵) بات گل گر (۶۶) بات گیرد تومم (۶۷) آذر گیرد
تومم (۶۸) بات گر جای (۶۹) آو تومم (۷۰) گل آذرگر
(۷۱) گل وازگر (۷۲) گل نمگر (۷۳) گر گر (۷۴)
گر گر (۷۵) گر آگر (۷۶) گر آگر گر (۷۷) آگر
آگر (۷۸) آگر آگر گر (۷۹) آگومان (۸۰) آجمان
(آموشت هوشیار) (فشوتنا)
(۸۱) آخوان (۸۲) آموشتهو شیار (۸۳) فشوتنا (۸۴)
(پتمانی) (خداوند)
پتمانی (۸۵) پیرزگر (۸۶) خداوند (۸۷) اهورمزد
(۸۸) ابرین کو هنتوان (۸۹) ابرین نتوان (۹۰) وسپان

(۹۱) وَسپار (۹۲) خاوَر (۹۳) اَهو (۹۴) اَوَخشیدر
(خورهمند)
(۹۵) داقار (۹۶) رَیومَند (۹۷) خِرهمند (۹۸) داوَر
(۹۹) کِرِفگَرِه (۱۰۰) بوختار (۱۰۱) فَرشگَرِه

---

صد و یک نام خدا اصلاً پهلوی است ما در این کتاب آنرا از روی متن اوستای کتاب یزشنی با نیرنگ تألیف شادروان تهمورس انکلساریا که از روی نسخه دستگارد چاپ شده است اختیار نمودیم صد و یک نام خدا معمول بین ایرانیان با نام هدهه ختم میشود درصورتیکه در این کتاب با واژهٔ فرشگر بآخر رسیده و اصلاً کلمهٔ هدهه وجود ندارد و واژهٔ گرگر دهو زیر شمارهٔ ۷۴ زیادی است و همچنین خاور در تحت شمارهٔ ۹۲ بجای واژهٔ چیر آمده است -



# اشم وُهو ※

بنام خداوند بخشاینده بخشایشگر مهربان

اَشِم وُهو وَهیشتِم اَستی -
اوشتا اَستی اوشتا اَهمائی -
هیَت اَشائی وَهیشتائی اَشِم +

## اَهونَ وَر

یَثا اَهو وَئیرِی
اَثا رَتوش اَشات چیت هَچا -
وَنگهِ اوش دَزدا مَنَنگهِ -
شُکی اَثهَنَام اَنگهِ اوش مَزدائی -
خشَثرِم چا اَهورائی آ -
یِیم دِرِگوبی دَدَت واستارِم +

※ ایرانیان عموماً اشم وهی دیتا اهی تلفظ میکنند اما اشم وهو و یثا اهورا اختیار نمودیم که درست و در الفبای اوستائی ضبط شده است برای توضیحات بیشتر و دلایل بدیباچه کتاب رجوع شود.

| شماره | اوستا | فارسی | مثال | تلفظ |
|---|---|---|---|---|
| ۳۵ | (مانند w انگلیسی است) | وَ | [illegible] | اوستا |
| ۳۶ | [illegible] | مَ | [illegible] | مرغ |
| ۳۷ | [illegible] | یَ (در سر واژه) | [illegible] | یاور |
| ۳۸ | [illegible] | یَ (درمیان واژه) | [illegible] | بسیار |
| ۳۹ | [illegible] | رَ | [illegible] | رفتار |
| ۴۰ | [illegible] | وَ (در سر واژه) | [illegible] | وارد |
| ۴۱ | [illegible] | وَ (درمیان واژه) | [illegible] | روان |
| ۴۲ | [illegible] | سَ | [illegible] | سرو |
| ۴۳ | [illegible] | شَ | [illegible] | شاد |
| ۴۴ | [illegible] | هَ | [illegible] | هوا |
| ۴۵ | [illegible] | لَ | [illegible] | لب |
| ۴۶ | [illegible] | وَد (واژه پهلوی) | بمنزله از فلان جا (تا) فلان جا | |
| ۴۷ | ا | حرف است که مصراع شعر را از هم جدا میکند | | |
| ۴۸ | [illegible] | نشانی تمام شدن جمله است | | |

حروف [illegible] و در زیر شماره های ۳۷ و ۴۰ مثل حروف بزرگ فرانسه و انگلیسی است که در سر واژه نوشته میشود و حروف شماره ۳۸ و ۴۱ درمیان لغت بکار برده میشود. حرف [illegible] شماره ۳۷ در بعضی نسخ بجای [illegible] استعمال شده است

حرف [illegible] در زیر شماره ۴۵ در اوستا یافت نمیشود اما در ادبیات پهلوی و پازند بسیار است

حرف [illegible] آو شماره ۱۳ با کلمه [illegible] آ' تلفظ میشود و در سایر جاها « آو »

# [illegible]

[illegible]

[illegible]

(۱) [illegible] (۲) [illegible]
(۳) [illegible] (۴) [illegible]
(۵) [illegible] (۶) [illegible] (۷)
[illegible] (۸) [illegible] (۹)
[illegible] (۱۰) [illegible] (۱۱) [illegible]
[illegible] (۱۲) [illegible] (۱۳)
[illegible] (۱۴) [illegible] (۱۵)
[illegible] (۱۶) [illegible] (۱۷) [illegible]
(۱۸) [illegible] (۱۹) [illegible] (۲۰) [illegible]
(۲۱) [illegible] (۲۲) [illegible] (۲۳) [illegible]
(۲۴) [illegible] (۲۵) [illegible]
(۲۶) [illegible] (۲۷) [illegible]

* برای بخش فارسی صفحه ۲ دیده شود

(२८) [illegible] (२९) [illegible] (३०) [illegible]
(३१) [illegible] (३२) [illegible]
(३३) [illegible] (३४) [illegible]
(३५) [illegible] (३६) [illegible] (३७)
(३८) [illegible] (३९)
(४०) [illegible] (४१)
(४२) [illegible] (४३) [illegible]
(४४) [illegible] (४५) [illegible] (४६) [illegible]
(४७) [illegible] (४८) [illegible]
(४९) [illegible] (५०) [illegible] (५१)
(५२) [illegible] (५३) [illegible]
(५४) [illegible] (५५) [illegible] (५६) [illegible]
(५७) [illegible] (५८) [illegible] (५९)
[illegible] (६०) [illegible] (६१)
[illegible] (६२) [illegible] (६३)
[illegible] (६४) [illegible] (६५)
[illegible] (६६) [illegible] (६७)
[illegible] (६८) [illegible] (६९)
[illegible] (७०) [illegible] (७१) [illegible]
(७२) [illegible] (७३) [illegible]



(७४) [illegible] (७५) [illegible] (७६)
[illegible] (७७) [illegible] (७८)
[illegible] (७९) [illegible] (८०)
[illegible] (८१) [illegible] (८२) [illegible]
[illegible] (८३) [illegible] (८४) [illegible]
(८५) [illegible] (८६) [illegible] (८७)
[illegible] (८८) [illegible]
(८९) [illegible] (९०) [illegible]
(९१) [illegible] (९२) [illegible] (९३) [illegible]
(९४) [illegible] (९५) [illegible] (९६)
[illegible] (९७) [illegible] (९८)
[illegible] (९९) [illegible] (१००) [illegible]
(१०१) [illegible]

(۹۱) وَسپار (۹۲) خاوَر (۹۳) اَهو (۹۴) اَوَخشیدر
(خوره مند)
(۹۵) داتار (۹۶) رَیومَند (۹۷) خِرهمند (۹۸) داوَر
(۹۹) کِرِفگَر (۱۰۰) بوختار (۱۰۱) فَرشگَر

---

صد و یک نام خدا اصلاً پهلوی است ما در این کتاب آنرا از روی متن اوستای کتاب یزشنی با نیرنگ تألیف شادروان تهمورس انکلساریا که از روی نسخه دستگارد چاپ شده است اختیار نمودیم صد و یک نام خدا معمول بین ایرانیان با نام هدهه ختم میشود درصورتیکه در این کتاب با واژهٔ فرشگر بآخر رسیده و اصلاً کلمهٔ هدهه وجود ندارد و واژهٔ گرگر دهو زیر شمارهٔ ۷۴ زیادی است و همچنین خاور در تحت شمارهٔ ۹۲ بجای واژهٔ چیر آمده است -



# اشم وُهو ※

بنام خداوند بخشاینده بخشایشگر مهربان

اَشِم وُهو وَهیشتم اَستی -
اوشتا اَستی اوشتا اَهمائی -
هیَت اَشائی وَهیشتائی اَشِم +

## اَهونَ وَر

یَتها اَهو وَئیریُ
اَتها رَتوش اَشات چیت هَچا -
وَنگهِ اوش دَزدا مَنَنگهُ -
شُکی اَتهَنَنام اَنگهِ اوش مَزدائی -
خشَتهرِ مُچا اَهورائی آ -
یِیم دُرِگوبیُ دَدَت واستارِم +

※ ایرانیان عموماً اشم وهی دیتا اهی تلفظ میکنند اما اشم وهو و یتها اهورا اختیار نمودیم که درست و در الفبای اوستائی ضبط شده است برای توضیحات بیشتر و دلایل به پیاچه کتاب جوع شود.

# سروش باج

بنام خداوند بخشایندهٔ بخشایشگر مهربان

خشن اثهرا اهورهِ مزدا + اشم وهو (سه بار خواندن)

فروانِ مزدیسن زرتهوشتریش ویدئو اهورتکش

(اگر بامداد باشد چنین باید خواند) هاونِ اِ اشئن اشه رتهو

یسنا ئیچ وهمائیچ خشن اثهرا ئیچ فرستیئیچ ساونگهِ

ویسیا ئیچ اشئن اشه رتهو یسنا ئیچ وهمائیچ خشن

اثهرا ئیچ فرستیئیچ + (اگر نیمروز باشد چنین باید خواند) پیتیهوینائی

اشئن اشه رتهو یسنا ئیچ وهمائیچ خشن اثهرا ئیچ

فرستیئیچ + فرادت فشو زنتو ما ئیچ اشئن اشه

رتهو یسنا ئیچ وهمائیچ خشن اثهرا ئیچ فرستیئیچ +

(اگر گاه از پیرن باشد چنین باید خواند) اوزیئی رینائی اشئن اشه

رتهو یسنا ئیچ وهمائیچ خشن اثهرا ئیچ فرستیئیچ +

فرادت ویرائی دخیوما ئیچ اشئن اشه رتهو یسنا ئیچ



وهمائیچ خشن اثهرا ئیچ فرستیئیچ + (اگر آغاز شب تا نصف

شب باشد چنین باید خواند) ائیویسرو تهریمائی ائی بی گیائی

اشئن اشه رتهو یسنا ئیچ وهمائیچ خشن اثهرا ئیچ

فرستیئیچ + فرادت ویسپام هوجیائیتِ اِ زرتهو

شترو تمائیچ اشئن اشه رتهو یسنا ئیچ وهمائیچ خشن اثهرا ئیچ

فرستیئیچ + (اگر نصف شب تا پیش از بامداد باشد چنین باید خواند)

اوشهینائی اشئن اشه رتهو یسنا ئیچ وهمائیچ خشن

اثهرا ئیچ فرستیئیچ + برجیائی نمانیا ئیچ اشئن

اشه رتهو یسنا ئیچ وهمائیچ خشن اثهرا ئیچ فرستیئیچ +

سرا اشه اشیه تخمه تنوما تهره درشی دراش

اهوئیریه خشن اثهریسنا ئیچ وهمائیچ خشن اثهرا ئیچ

(فرامروت)

فرستیئیچ + یتها اهو وئیری زاتا فرام مروت +

اتها رتوش اشات چیت هچ فرا اشوش ویذیاوداد

مرا اتو + اهونم وئیریم تنوم پاتیتی (سه بار)

یَتا اَهو وَئیریِ (یک بار)

کِم نا مَزدا مَوئیتِ پایوم دَدات۔ هَیَت

دُرِگوَاو دیدَرِشتا اَئِننگهِ۔

اَنیِم تهوَهمات آتهرَسچا مَننگهَسچا۔

یَیاوُ شکیِ اُتهنائیش اَشِم تهرَاُشتا اَهورا۔

تام مَئی داَستوام دَاِنیائی فراوَاُچا +

کِ وِرّتهرِمجا تهوا یِئی سِنگها یِئی هِنتی۔

چیتهرا مَئی دام اَهوم بیش رَتوم چیژدی۔

اَت هَئی وُهو سَراُش جَنت مَننگها۔

مَزدا اَهمائی یَهمائی وشی کَهمائی چیت +

پات نَ تَبی شیَن تَت پَئیری مَزداوُسچ آمَئی تیشچ

سپِنتَسچ + نَسِ دَئوی دُروخش نَسِ دَئوُ چیتهرِ

نَسِ دَئوُ فرِکَرِشتِ نَسِ دَئوُ فرَدائیتی +

اَپَ دُروخش نَسِ اَپَ دُروخش دُوارَ اَپَ



دُروخش وینَس اَپاخدرِ اَئِنَس یِه مامرِن چیئِنیش

گَئِتها وُ اَستوَ ئی تیش اَشِه + نَمسچا یا آرمَئی تیش

(اَثرا اَچا) اَثرا اَچا (سه بار) یَتها اَهو وَئیریِ (دو بار)

یَسنِچ وَهمِچ اَاُجیچ زَوَرِچ آفرینامی سَراُشه

اَشیِه تَخمِه تَنو مانتهرِه زَرشی دُراُش آهوئیریِه +

اَشِم وُهو (یک بار) (دُروَ تایم اَهمائی تَن وُ)

اَهمائی رَئِشچ خرَنسچ۔ اَهمائی تَنوُ وَزدوَرِ۔

اَهمائی تَنوُ وِرّتهرِم۔ اَهمائی ایشتیم یِئوروش

خاتهرام۔ اَهمائی آسنا مجیت فرَزَئتیم۔ اَهمائی

دَرِغام درِغ جیتیم۔ اَهمائی وَهیشتِم اَهوم

اَشَئنام۔ رَاُچَنگهِم ویسپ خاتهرِم + اَشِم وُهو

(یک بار) هَزَنگرِم بَئِشَزنام۔ بَئوَرِ بَئِشَزنام (سه بار)

اَشِم وُهو (یک بار) جَسَ مِ اَوَنگهِ مَزدَ + (سه بار)۔

اَمِه۔ هو تاشتِه هوَراُذه وِرّتهرَغنِه اَهورَذاتِه

وَنئین تیاوُشچ اوپَرتات + تھواشہ خذاتہ
زروانہ اکَرَنہ زروانہ دَرغ خذاتہ + اَشِمْ
وُھو (یک بار) (زدودن نشستن زدار دیو دُرج) پاکی تن
اَشوئی روانِ خویش (سہ بار) اَشِمْ وُھو (یک بار)

## اوستای کشتی بستن

بنام خداوند بخشائیندہ بخشایشگر مہربان

ہومَت ہوخت ہوورشت نَمَشنی گوشنی کنشی تنی
و روانی گیتی مینو اَژِش ہمہ گونہ وَناہی اَواخش و پشمان
فَپَتیت ہم + (اَژ ہر جستہ و گفتہ و کردہ و بَنیدہ
وَشنیدہ و پَرمودہ) اَژِش ہمہ گونہ وَناہی اَواخش و
پشمان فَپتیت ہم + شِکَستِ اہرمَن باد (سہ بار)
شِکَستِ زدزدہ باد گنا ہمینو دروند اَوا ہما دیوان
و دُرجان و جادویان گجستہ تک دار دوزخ نگونہ
نگونسار مرگ بن ہیچ کارشان بکامہ



نبوت، ہرکار و کرفہ اشوئی کہ بوت بکامہ (اورمزد و خدا
وسی و سہ امشا سپندان) پیروزگر، ہست و بودش بکامہ
باد دین پاک (اورمزد) مَس و وہ پیروزگر باد دادار
اورمزد رایومند خروہمند و ہروسپ آگاہ + خشن
اُتھرَ اَہورہ مَزدا اَترَیدیتی اَنگرہ مَینیو یوش +
ہَیَ تھیا وَرشتام ہیت وَسنا فرشتم + ست اُمی
اَشِمْ + اَشِمْ وُھو (یک بار) خشن اُتھرَ اَہورہ مَزدا
اَشِمْ وُھو (یک بار) یَتھا اَھو وَیریو (دوبار) اَشِمْ وُھو
(یک بار) مزدَیسنَ اَہمی مَزدَیسنَ زَرتھو شتریش فروران
آستوتَسچا فرورتَسچا + آستوی ہومَتم مَن آستوی ہوخت
وَچ آستوی ہوورشتم شتی اُتھنم + آستوی دِئنام
وَنگہوئیم مازدَیسنیم فرَسپای اُخذرام نیذاسنَئ
تھیشم نخئشودَ تھام اَشئنیم یا ہائیتی نامچا بوشکی
اینتی نامچا مَزیشتاچا وَہیشتاچا سَرَئشتاچا یا آہوئیریش

زَرَتهوشتریش + اَهورائی مَزدائی ویسپا وُهو چینَهی +
اَئِشا اَشتی دَئِنیاو مَزدَیسنَئِش آستوئی تیش + جَسَ
مِ اَونگه مَزدَ (سه بار) اَمَه هوتا شتِ (.....تا)
دَرِغ خَذاتَه اَشِم وُهو (یک بار)

---

هما زور بیم هما زور وهما اشو بیم هما زور ویش
کرفه بیم هم کرفهٔ کرفه کاران بیم دیر اثر وناه و وناه
کاران بیم هم کرفه بسته کشتیان و نیکان و دهان
هفت کشور زمین بیم بسر سرات چینود پل بزرگ
سبک و خوار و شاد و آسان مان وذوارنی یا
دادار اورمزد او آنه فشوم اخوان اشوان و روشن
گرو تمان هما خاره مان اوررسادیا دادار اورمزد
اَشِم وُهو (یک بار) پیروز باد خروه اویژه وهدین
مازدیسنان (سه بار) اشم وُهو (یک بار) فه یزدان وامشا



سپندان کامه باد ایدون باد ایدون ترج باد اشم
وُهو (یک بار)

## برساد و بپذیراد

برساد و بپذیراد و بنیوشاد دادار اورمزد و پسند
یزدان باد هیارهٔ وهان رساد بخشنودی مینوی دادار
اورمزد رایومند خروهمند بخشنودی مینوی اورمزد اوگاه
اسه دی وسپنی شام بخشنودی مینوی وهمن وماه وگوش
ورام بخشنودی مینوی اردیبهشت وبلند آذر و
سروش ورهرام بخشنودی مینوی شهریور وخیر ومهر
آسمان و انارام انغز روشن گاه خدا بخشنودی مینوی
سپندارمذ وآبان و دین وارد و مانتره سپند بخشنودی
مینوی خرداد وتشتر و(باد و فروردین) بخشنودی مینوی
امرداد ورشن و اشتاد و زامیاد بخشنودی مینوی
هاون و رفتون و ازیرن وایوه سریترم و اشهن گاه

باد بخشنودی مینوی گاه گاتها بیو اهنود اشتود سپنتمد
وهوخشتر وهشتواش باد بخشنودی مینوی هوم
ایزد برز ایزد نیریوسنگ ایزد دهمان و دهان
و آفرین ایزد باد بخشنودی مینوی امروز روز
فیروز فرخ روز ..... و ماه خجسته ماه مبارک
ماه ..... و گاه ..... برساد پسند و پذیرفته دادار
اورمزد باد ایدون باد ایدون ترج باد اشم وهو
(یک بار)

# تندرستی

بنام خداوند بخشاینده بخشایشگر مهربان

یزدان پناه باد دیر زیوشنی شاد باد یتها اهو ویریوی
(یک بار) تندرستی دیر زیوشنی او اید خر نگهداشویه
دار یزدان مینوان و یزدان گیتیان هفت امشاسپندان
میزد روشن هما برساد این دودمان شاد باد آفرین



باد همه اندر کسان را زرتشت دین شاد باد ایدون
باد خواهان باد یا بار خدا خداوند عالم را همه انجمن
را شاه بهرام ورجاوند را دستور پشوتن را پیغمبر
اشیدر را اشیدر ماه را اشیدر بومی را سیو
شانس را کیخسرو پادشاه را دین زراتشتی را همه
بهدینان را تندرستی نیکنامی تندرستی زندگانی تندرستی
مشکل آسانی تندرستی فراخ روزی تندرستی شادی و
مشنی تندرستی فلان .... فلان با زن و فرزندان
را هزار سال زندگانی عمر دراز باد دیر بدار شاد
بدار تندرست بدار عادل بدار ایدون بدار برسر
ارزانیان بدار سالهای بسیار و زمانهای بیشمار باقی
و پاینده بدار صدهزاران هزار آفرین باد سال
خجسته باد روز فرخ باد ماه مبارک باد چندین
سال چندین روز چندین ماه بسیار سال ارزانی

داریزشن و نیایشن رادی و زور برشنه اشوئی
دار اور هما کار و کرفه ها تندرستی باد رادی باد
نیکی باد خوبی باد ایدون باد ایدون ترج باد فه
یزدان و امشا سپندان کامه باد اشونِ اشم وهو
(یک بار) **کلمه دین** رزشتیا چیتیا مزد دایتا اشونیا
دینیا ونگهیا مازدیسنواش دین بهی راست و
درست که خدا بر بندگان فرستاد اینست که اشو
زرتشت پیغمبر آورده است دین دین اورمزد
داد زرتشت اشونِ اشم وهو (یک بار) دادار
یک دین بهی یک پیغمبر یزدان اشوئی پاک راه
زرتشت مهر اسپنتمان انوشه روان بیشک و
بیگمان براسته و درسته دین پاک یزدان اشونِ
اشم وهو (یک بار)



## نام ستایش

فه نام ستایش اوعه همی بود وهمی هست همی بید
ایزد سپنتا مینو اندرج مینوان مینو اش خدا یک
ونام اورمزدج خدای مهست دانای دادار
ویروَر تار پانه خاور کرفه گر و آوخشیدار اوشیدر
وه دادستانی همازور سپاس اوعه بزرگ اشتیگان
کش آفرید و داد فه خویشه هم بیده زور دانایه اَوَرتَر
کش امشا سپند اَوَدوس ایزدان و روشن بهشت
وگروثمان وگرد آسمان خور تاوای ماه بومی ستروس
تخمه باد اندر دا آتش وآب وزمین و اُرور و
گوسپند و اَیوخشت و مردم + یزشن ونیایش اوعه
خدای کرفه گر کش مهه کرد اژ هرگیتی دهشنان مردم
فه گویایه وگرویه داد اوعه شهریاره همبام ورانیده
دامان فه رزم وایوز شنه پذیره دیوان + نماژ اوعه

وسپ آگاه خاور که فرستید فه زره شت سپنتمان
آخشته اوعه دامان ودین و دانش و آسن
خردی وگوشو سرود خردی وشنا سگه و راینیاره
وسپ هستان و بودان وبیدان و فراهنگان و
فراهنگ مانتره سپند که بید روان پل وبوختار از
دوزخ و دار تار اوعه آنه فشوم اخوان اشوان
روشن وگروثمان هوبوی هما خاره ونیکی + فه فرمان
تو خاور (سه بار) پذیرم منم و گوم و ورزم دین
وه اویژه واستوان هم فه هر کرفه و اواخش
از وس بزه اویژه دارم خدای آسنیده کنشن و
پهریزشن و پاک شنشن زورانگان کنشن وگوشن و
نمشن و ویروهوشن و خرد + فه کام تو کرفه گر
آت توان سامانها کنم آنت پرستش فه وه منشنه
وه گوشنه وه ورزشنه وشم فه راه روشن کم نرسید



گران پزد دوزخ و دیرم فه چینود پل رسم اوعه
آن مان بهشت پیروی هروسپ فیسید هما خاره
ستایش اوعه اوخشیدار خدا که کام وکرفه پاداشن
کناد فرمان راینیداران افدم بوجید دروند انج
آنج دوزخ اویژها و ینارید وسپ دامان اشوان +
اشم وهو (یک بار) پیروزباد (سه بار) اشم وهو برساد

## خورشید نیایش

بنام خدای بخشاینده بخشایشگر مهربان

مس وده و پیروزگر باد مینوی خورشید امرگ رایومند
خروهند اروند اسپ هومت و هوخت و هوورشت
نم هورخش اتائی اوروت اسپائی (سه بار)
خشن اتهر اهوره مزدا اَنمس ت اهو رَمزد
(سه بار) تهریش جیت پرآنیائیش دامان + نم و
گمشا سپنتا ویسپ هورِ هزاشاو + مزا او نتم تم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

सक्तः । मन्त्रिणमुद्रिते । चन्दनदासः । चाणक्यः । चन्दनदासः । मन्त्रिणमुद्रिते । सक्तः सक्तः । अमात्यराक्षसः । चाणक्यः । चन्दनदासः । मन्त्रिणमुद्रिते । सक्तः सक्त

सरडसार. सरदाहीकडे. दुसऱ्यासमोर.

सरडसार. ऐकलेले. दुसऱ्यांचे.सांगतो.

सरडसार. ऐकलेले. ऐकतोस.

सरडसार. ऐकलेले. चांगलेच.

सरडसार. ऐकलेले. वेळेसमोर.

सरडसार. ऐकलेले. सांगितलेले.

सरडसार. ऐकलेले. ऐकतोस.

सरडसार. ऐकलेले. ० ऐकतो चांगले.

सरडसार. ऐकलेले. ऐकतोस.

सरडसार. ऐकलेले. ऐकतोस.

सरडसार. ऐकलेले. ऐकतोस

سهراب. چاره. ۰ ۵۵ *

سهراب. چاره. ۰ :.

سهراب. سهراب. چاره. ۰ (۰ وچ. رسو. ۰) :.

چاره. ۰ :.

سهراب. سهراب. سهراب. چاره. ۰ سهراب. سهراب. سهراب. چاره. ۰ :.

سهراب. چاره. ۰ :.

سهراب. سهراب. چاره. ۰ :.

سهراب. چاره. ۰ :.

سهراب. چاره. ۰ :.

وسپ آگاه خاور که فرستید فه زره شت سپنتمان
آخشته اوعه دامان ودین و دانش و آسن
خردی وگوشو سرود خردی وشنا سگه و راینیاره
وسپ هستان و بودان وبیدان و فراهنگان و
فراهنگ مانتره سپند که بید روان پل وبوختار از
دوزخ و دار تار اوعه آنه فشوم اخوان اشوان
روشن وگروثمان هوبوی هما خاره ونیکی + فه فرمان
تو خاور (سه بار) پذیرم منم و گوم و ورزم دین
وه اویژه واستوان هم فه هر کرفه و اواخش
از وس بزه اویژه دارم خدای آسنیده کنشن و
پهریزشن و پاک شتن زورانگان کنشن وگوشن و
نمشن و ویروهوشن و خرد + فه کام تو کرفه گر
آت توان سامانها کنم آنت پرستش فه وه منشنه
وه گوشنه وه ورزشنه وشم فه راه روشن کم نرسید



گران پزد دوزخ و دیرم فه چینود پل رسم اوعه
آن مان بهشت پیروی هروسپ فیسید هما خاره
ستایش اوعه اوخشیدار خدا که کام وکرفه پاداشن
کناد فرمان راینیداران افدم بوجید دروند انج
آنج دوزخ اویژها و ینارید وسپ دامان اشوان +
اشم وهو (یک بار) پیروزباد (سه بار) اشم وهو برساد

## خورشید نیایش

بنام خدای بخشاینده بخشایشگر مهربان

مس وده و پیروزگر باد مینوی خورشید امرگ رایومند
خروهند اروند اسپ هومت و هوخت و هوورشت
نم هورخش اتائی اوروت اسپائی (سه بار)
خشن اتهر اهوره مزدا اَنمس ت اهو رمزد
(سه بار) تهریش جیت پرآنیائیش دامان + نم و
امشا سپنتا ویسپ هورِ هزاشاو + مزا او نتم تم

م دایت ینگہ دائیتی پئیتی دنگہ نیسرودت نم
ہورخش اتائی اورودت اسپائی خشن اتھر اہورہ مزدا
ترئیدیتی انگرہ مئین یئوش + ہئیتھیا ورشتام ہیت وسنا
فرشتیم + ست امی اشم + اشم وہو (یک بار) فرشتوی
ہومت ئیبیئیسچا ہوخت ئیبیئیسچا ہورشت ئیبیئیسچا اتھو
ئیبیئیسچا وخذ وئیبیئیسچا ورشتو ئیبیئیسچا آئی بی گئیریا دئیتھ
ویسپا ہومتاچا ہوخناچا ہورشتاچا + پئیتی ریچیا
دئیتھ ویسپا دوشمتاچا دوژوخناچا دوژورشتاچا +
فرا و راہی امشاسپنتائینچا وہمچا فرامنگھا فراوچنگھا
فرا شکی اتھنا فرا انگھویا فرا تنوسچیت فخیاد
اوشتنم + ست امی اشم + اشم وہو (یک بار)
نم اہورائی مزدائی (سہ بار) نم امش ائیبی سپنت ا
ئیبی نم میتھرائی واورو گئی ائیت ا نم ہورخش اتائی
اورودت اسپائی نم آبی دئیتھرائی یاو اہورہ



مزدا انم گئوش نم گئیر نم زرتھو شترہ سپیتامہ
اشئن فروش ا نم ویسپیا و اشئن ستیش ہئی-
تھیا ئیچ بوائی تھیا ئیچ بوشکیائی تھیا ئیچ + (اگر ماہ
گاہ باشد چنین باید خواند) وہو اوخشیا منگھا خشتھرا اشاچا
اوشتا تنوم + (سہ بار) (اگر بتون گاہ باشد چنین باید خواند)
ایما راچاو برزیشیم برزیمنام + (سہ بار) (اگر از بیرن
گاہ باشد چنین باید خواند) یہمی سپنتا تھوا مئین یو اورواس
جس + (سہ بار) اشم وہو (سہ بار) ہورخشئیتم امشیم رئم
اورودت اسپم یزمئیدہ + میتھرم و اورو گئی ائیتیم
یزمئیدہ ارش وچنگھم دیاخنم - ہزنگرہ گئشم ہوتاشتم
ہورچشمنم برزنتم - پرتھو وئدیم سورم - اخفنم
جغا اورواونگھم + میتھرم ویسپنام دخیونام
دائینگھو پئیتیم یزمئیدہ - یم فردتھت اہور-
مزداو خرننگو ہستیم - مئین یونام یزتنام +

تَتْ نْ جَمْیَاتْ اَوْنْگَہْ۔ مِیثْھْرْ اَہُورَ بْرْزَنْتَ +
خْرَنْگْھَتْ آوْنْگْھاْ مْچا مْنَسْچا - اَتھَ اوْرْوَیْمْ ھَیْمْ +
تِیشْتْرِیمْ دْرُوْچَشْمْنَمْ یَزَمَئِدِ + (سہ بار) تِیشْتْرِیمْ ستارِمْ
رَئُونْتمْ خْرَنْگْھَنْتمْ یَزَمَئِدِ۔ تِیشْتْرِیمْ یَزَمَئِدِ + تِیشْتْرِیَئِنِیْ
یَزَمَئِدِ + تِیشْتْرِیْ رَئُواؤ خْرَنْگْھو ہاؤ یَزَمَئِدِ +
وَنَنْتِمْ ستارِمْ مَزْدَ ذاماْمْ یَزَمَئِدِ + تھْواشِمْ خْذامْ
یَزَمَئِدِ۔ زْرْوانِمْ اَکَرَنِمْ یَزَمَئِدِ + زْرْوانِمْ دَرِغْ
خْذاتِمْ یَزَمَئِدِ + رَزِیشْتامْ چِیشْتامْ مَزْدَ ذاتِمْ
اَشَئِنِیمْ یَزَمَئِدِ + اَئِنامْ وَنْگْھوئِیمْ مَزْدَیَسْنِیمْ یَزَمَئِدِ
وَیْسِیچَ اَشَوَنِمْ مَئِنْیَئُمْ یَزَتِمْ یَزَمَئِدِ + وَیسِیچَ
اَشَوَنِمْ گَئِتِیمْ یَزَتِمْ یَزَمَئِدِ + ھَیْمْ اوْرْوانِمْ یَزَمَئِدِ
ہَوامْ فْرَوَشِیمْ یَزَمَئِدِ + اَشا اونامْ وَنْگْھوئِیشْ
سُوْراوْ سِینْتاوْ فْرَوَشِیْ یَزَمَئِدِ + ہُوَرِخْشَئِتِمْ اَرِمِشْمْ
رَئِمْ اَوْرْوَتْ اَسْپِمْ یَزَمَئِدِ + اَشِمْ وُھو + (سہ بار)



فْرَوَرانِ مَزْدَیَسْنِ زَرَتھو شْتْرِیشْ وِیدَئُوْ اَہُورَ
تَکَئِشْ (ہرگاہ کہ بید) ہُوَرِخْشَئِتِہِ اَمِشَہِ رَئُوَہِ اَاوْرْوَتْ
اَسْپَہِ خْشَنْ اُتھْرَ یَسْنَایَچَ وَ ہَمایَچَ خْشَنْ اُتھْرَ یَچَ
فْرَسْتَیَئِچَ + یَتھا اَھو وَئِیرِیْ زَ اُتا (تا سر)
ہُوَرِخْشَئِتِمْ اَرِمِشْمْ رَئِمْ اَاوْرْوَتْ اَسْپِمْ یَزَمَئِدِ
آاَتْ یَتْ ہُوَرِ رَ اُخْشَنْ تاپَیَئِتی آاَتْ یَتْ ہُوَرِ رَچَ
تاپَیَئِتی مِیثْرَتی مَئِنْ یَوْاُونْگَیْرَتاوْنْگَہْ سْتَمْچَ ہَزَنْگْرِمْچَ + تَتْ خْرَنْ ہَنْبار
یَئِنْتی تَتْ خْرَنْ نِیبارَیَئِنْتی۔ تَتْ خْرَنْ بَخْشَنْتی
زامْ یَئِتی اَہُورَ ذاتامْ + فْرَاذَتِیچَ اَشَہِ گَئِتھاوْ
فْرَاذَتِیچَ اَشَہِ تَنُوِیْ + آاَتْ یَتْ ہُوَرِ اوْزُوخْشْ
یَئِتی بُوَتْ زامْ اَہُورَ ذاتامْ یَئِزْدا تھْرِمْ آیِمْ
تَچَیْنْتامْ یَئِزْدا تھْرِمْ آیِمْ خَیْنامْ یَئِزْدا تھْرِمْ آیِمْ
زْرَیَنامْ یَئِزْدا تھْرِمْ آیِمْ اَرِمَئِشْتامْ یَئِزْدا تھْرِمْ
بُوَتْ دامْ اَشَوَ یَئِزْدا تھْرِمْ یاوْ ھَنْتی سَیْنْتَہ

مَئِینْ یِئُوشْ + یِئِیندی زی هُوَرِ نْمِئِتْ اوزوخشی
یَئِتی اَذ دَرِئُو ویسپاوْ مِتْرَ تَچینْتی یاوْ هِنْتی هَیْتْ
کَرْ شُوْ هُوَ + نَوَ چیشْ مَئِینْ یَوَ یَزَتَ اَنْگَهُوَ
اَشْتُوْ اَئِینْتی یَئِیتی دْرانْمْ نْمِئِتْ یَئِ تِیشْتامْ وِیذَنْتی
+ یُ یَزَئِیتِ هُوَرِ یَتْ اَمِشْمْ رَمْ اَاوِرُوَتْ
اَسْپِمْ یَئِ تِیشْتاتِ اِرِتْمَسْ
چیثْرَنامْ دِئُونامْ یَئِ تِیشْتاتِ اِ تایونانْچْ هَزَسْنانْچْ
یَئِ تِیشْتاتِ اِ ایتْهِی جَنْگَهْ مَرْ شَئِنَهْ یَزَئِیتِ
اَهورَمْ مَزْدانْمْ یَزَئِیتِ اَرِشِ سِپِنْتِ یَزَئِیتْ
هَمْمْ اوِرْوانْمْ خْشْنَاوَئِیتی ویسپ مَئِینْ یَوَچْ
یَزَتَ گَئْتْهیاچْ یُ یَزَئِیتِ هُوَرِ یَتْ اَمِشْمْ
رَمْ اَاوِرُوَتْ اَسْپِمْ + یَزَائِ میتْهْرَمْ وُاوِرِد
گَئْثِیُ اَئِیتِیمْ هَزَنْگْرَ گَئْثِمْ بَئُورِ چَشْمَنَمْ + یَزَائِ
وَزْرِمْ هوتی وَیخْتِمْ کَمَرْ دِ یَئِیتی دَئُونامْ میتْهْرَ



یُ وُاوِرو گَئْثِیُ اَئِیتِیشْ + یَزَائِ هَیْذْرَچْ یَتْ
اَسْتِی هَیْذْرَنامْ وَهیشْتِمْ - اَشْتَرِ ماوْ هَنْچْ هُوَرْچَ +
اَهِ رَیَ خَرِ هَنْگَهْچَ - تِمْ یَزَائِ سْرُولُوَتَ یَسْنَ -
هُوَرِ خْشَئِتِمْ اَمِشْمْ رَمْ - اَاوِرُوَتْ اَسْپِمْ زَاتْهْرا +
هُوَرِ خْشَئِتِمْ اَمِشْمْ رَمْ - اَاوِرُوَتْ اَسْپِمْ یَزَمَئِدِ -
هَمْئِیُ گُوَ بَرِسْمَنَ - هیزُوْ دَنْگَهْنَگَهْ ماتْهْرَچْ - وَچْچْ
شْکُیُ اُتْهْنَچْ زَاتْهْرا یَئِسْچْ اَرْشُوْ خْذَ اِیَئِسْچْ
واغْزْیَئِیُ + یَئِنْگَهِ هاتامْ اَاتْ یَسْنِ یَئِیتی وَنْگَهْ
مَزْداوْ اَهورُ وَئِتْهَا اَشاتْ هَچا یاوْنْگَهامْچا
تاسْچا تاوْسْچا یَزَمَئِدِ + یَتْهَا اَهو وَئِیرِیُ + (دوبار)
یَسْنَچْ وَهْمَچْ اَاُجَسْچْ زَوَرِچْ آفْرینامی هُوَرِ خْشَئِتَهْ
اَمِشَهْ رَئُوَهْ اَاوِرُوَتْ اَسْپَهْ اَرِشْمْ وُهو + (تا سه
یکبار) اَهورانیشْ اَهورَهْ وَهیشْتائِیُ زَاتْهْرائِیُ
سْرَئِشْتائِیُ زَاتْهْرائِیُ دَهْمْ پَئِیرِی اَنْگَهْرَ مَشْتائِیُ ،

# خورشید نیایش

سپیده‌دم. [illegible] ∴ *

[illegible]

[illegible] ∴ (ن: [illegible])

[illegible]

[illegible] (۰ ن: [illegible]) [illegible]

[illegible] ∴

[illegible] ∴

[illegible] ∴

पश्चात्।

अथ सर्गः ५ (५ श्लो. सर्ग: ५) ∴

सर्वज्ञं जिनमानम्य वक्ष्ये सर्गं पुरातनम्। अत्रोत्पत्तिं च सर्गस्य यथा वक्तुं प्रचक्षते॥ सर्गस्य कारणं तत्र प्रधानं च प्रचक्षते। तस्मात्तत्प्रकृतिं प्राहुः प्रधानं च प्रचक्षते॥ तस्मात्तत्प्रकृतिं प्राहुः

दर्शन होता। वह भी, अभी नहीं। किन्तु मैं अभी। तुम्हारे-
को सत्य समझ रहा हूँ। वह भी, अभी नहीं। इसलिए-
दर्शन भी। अभी नहीं। वह भी, अभी नहीं। तुम्हारे
लिए। वह भी,

सरुकेहि. सरुहरुसरु. हाहुपुरुसरु.
सरुसरुहासरुहि. हरुसरु. सरुहरुसरु.
सरुसरुहासरुहि. सरुसरुहासरुहि.
सरुसरु.सरुसरुसरुसरु. सरुसरु. सरुसरु.
सरुसरु. सरुसरुसरुसरु. सरुसरु.
सरुसरु. सरुसरुसरु. सरुसरुसरु.
सरुसरु. सरुसरु. सरुसरु.
सरुसरु. सरुसरु. सरुसरु.

सरुसरु. सरुसरु. सरुसरु. हाहुपुरुसरु.
सरुसरु. सरुसरु. सरुसरु.
सरुसरु. सरुसरु. सरुसरु.
सरुसरु. सरुसरु. स

زَ اُتھرائی + اَشِمْ وُھو (تاسر یک بار) اَہمائی رَ ئِشْچ
(تاسر) اَشِمْ وُھو (تاسر یکبار)

# مہر نیایشن

## بنام خدای بخشایندۂ بخشایشگر مہربان

مس و وہ و پیروزگر باد مینوی مہر ایران داور
ہزارگوش بیور چشم راست راست داور تیز
تیز داور خشن اُتھر اَہورہ مَزدا + اَشِمْ وُھو
(تاسر بار) فَرَوَرانِ مَزدَیسْنْ زَرَتھوشْتریش
ویدَئوُ اَہورَتکَشْ + (ہرگاہ کہ باشد) میتھرہ وُاورو-
گئی-اُئیت-ئیش رامَنْ خاشترہ خشن اُتھر
یَسنائیچ وَ ہمائیچ خشن اُتھرائیچ فرَسَنتیئیچ +
یَتھا اَھو وَئیری زَاتا (تاسر) میتھرم وُاورو گئی-
اُئیتیم یَزَمَئیدِ - اَرِش وچنگھم وُیاخنم - ہَزَنگر گئشم
ہوتاشتم - بَھوَرِ چشمنم بِرِزَنتم بِرِتھوئِذَنیم سورم-



اَخفنم جَغَ اورواونگھم + میتھرم اَئیوی دَخیوم یَزَمَئیدِ
میتھرم اَنتَرَ دَخیوم یَزَمَئیدِ + میتھرم آدَخیوم یَزَمَئیدِ
میتھرم اوپَئیری دَخیوم یَزَمَئیدِ + میتھرم اَذئیری
دَخیوم یَزَمَئیدِ + میتھرم پَئیری دَخیوم یَزَمَئیدِ
میتھرم اَئیپی دَخیوم یَزَمَئیدِ + میتھرَ اَہورَ بِرِزَنتَ
اَئیتھیجَنگھَ اَشَوَنَ یَزَمَئیدِ + ستَرِ اوشَچَ مادَنگھَچَ
ہوَرِچَ - اورَوَراوْ پَئیتی بَرِسمَن یاوْ - میتھرم وِیسپَنامْ
دَخیونامْ - دَئینگھو پَئیتیم یَزَمَئیدِ + آہِ رَی خَرِنگھَچَ
تِمْ یَزائی سورونوتَ یَسْنَ میتھرم وُاورو گئی اُئیتیم
اُتھرائی + میتھرم وُاورو گئی اُئیتیم یَزَمَئیدِ رام
شَیَنم ہوشَیَنم اَئیریابائی دَئینگھوبائی + آچَ نْ جَمیات
اَوْنگہِ - آچَ نْ جَمیات رَوْنگہِ - آچَ نْ جَمیات رَفَنگہِ
آچَ نْ جَمیات مَرْزْدیکائی - آچَ نْ جَمیات
مِئِشْزائی - آچَ نْ جَمیات وِرْتھْرَغنائی - آچَ نْ

جمیات ہونگہائی - آچ ن جمیات اشوستائی -
اوغرہ آئیو یتھورُ یسنیٔ - وھمیٔ اَنئیویدہ روخت
ویسپائی اَنگھوا اَشتوئیت - یتھرہ ئی واورو-
گئی اُئیتیش + رتم اَموئتم یزَتم - سورم دامھو
سوشیتم - یتھرم یزائی زاُتھرابیٔ + تم یئیری
جسائی وَنتچ نمنگھچ تم یزائی سورونوت یسن -
یتھرم واورو گئی اُئیتیم زاُتھرابیٔ + یتھرم واورو-
گئی اُئیتیم یزمئیدہ ھئمیٔ گوَ برسمن ھیزو ونگھنگہ
ماتھرچ وَچ رشکی اُتھنچ زاُتھرابیچ ارشوخذ
اَئیبیچ واغرشیبیٔ + ینگہ ہاتام آآت یسن یئیتی
ونگہ مزداو اَہورَ وَئتھا اَشات ہچا یاونگہام چا
تاشچا تاوشچا یزمئیدہ یتھا اھو وئیری (تاسر دو) یسنیچ وہمچ اَاَجسچ زوِرچ
آفرینامی یتھرہ واورو گئی اُئیت یئش رامن خاشترہ + اشم وھو
(یکبار) اَہمائی رئیسچ (تا) درغ خذاتہ + پیروزباد برساد (تاسر)



# گاه هاون

مس و وه پیروزگر باد مینوی مهر ایران داور
هزارگوش بیور چشم راست راست داور تیزتیز
داور خشن اَتھرَ اَہورہ مزدا اَشم وھو (سه بار)
فروران مزدیسن زرتھوشتریش ویدیو اَہورَ تنگئش
ہاون اِ اَشئن اَشہ رتھو یسنا یچ وَہما یچ خشن اتھرایچ
فرستئیچ ساونگہ اِ دیسیا یچ اَشئن اَشہ رتھو
یسنا یچ وَہما یچ خشن اُتھرا یچ فرستئیچ + یتھرہ
واورو گئی اُشئش ہزنگرہ گئشہ بئورِ چشمن آاُخت
نامن یزتہ رامن خاشترہ خشن اُتھر یسنا یچ
وَہما یچ خشن اُتھرا یچ فرستئیچ + یتھا اھو وئیری
زاُتا (تاسر) + (ازاینجای) اَہورم مزدام اَشوَنم
اَشہ رتوم یزمئیدہ + زرتھوشترم اَشوَنم اَشہ
رتوم یزمئیدہ + زرتھوشترہ اَشئن فروشیم یزمئیدہ

# سحر نیایش

دعای ایرانی *

سپس ج. فاین ج. مارکوارت رسو ا ماتیج. د. ۹۹مرد. د. مکهاء
وسه«سد ا مرسرسد. ۵«ر«. ر«سد. ۲«۵۹ا کسدیه. کسدیه. وسه«سد.
۵۵ر۵. ۵۵ر۵. وسه«سد. ۰ ا

مرسیع ۲۰ ۲۰ مرسد ۲۰ مرسد ۲۰ مرسد

सरसरुहाइँ. सरुहाइँ. सरुहाइँ. अहोमुहाइँ.
सरुहाइँ. सरुहाइँ. सरुहाइँ. सरुहाइँ.

अहमिन्दु. एक्कु. एक्कु. एक्क

جمیات ہونگہائی - آچ ن جمیات اشوستائی -
اوغرہ آئیو یتھورُ یَسنیٔ - وَھمیٔ اَنئیویدہ روخت
وَسپائی اَنگھوا اَستوئیت - مِیتھرہ ئی وَاورو-
گئی اُئیتیش + رتم اَموَنتَم یَزَتم - سورم داتھو
سوشیتم - مِیتھرم یَزَائی زَاُتھرابیٔ + تم بیئیری
جَسائی وَنتَچ نمنگھَچ تم یَزَائی سورونوت یَسن -
مِیتھرم وَاورو گئی اُئیتیم زَاُتھرابیٔ + مِیتھرم وَاورو-
گئی اُئیتیم یَزمَئیدِ ھَمئی گوَ بِرِسمَن ھِیزوُ دُنگھَنگہ
ماتھرَچ وَچَ شکی اُتھنچ زَاُتھرابیَچ اَرشوخذ
اِئیبیَچ واغرشیبیٔ + پینگہ ہاتام آآت یِسن بیئیتی
وَنگہ مَزداو اَہورَ وَئیتھا اَشات ہَچا یاونگھام چا
تاسچا تاوسچا یَزمَئیدِ یَتھا اَھو وَئیری (تاسر دو) یَسنیچ وَہمچ اَاَجسچ زَوَرچ
آفرینامی مِیتھرہ وَاورو گئی اُئیت یَئیش رامَن خاشترہ + اَشم وُھو
(یکبار) اَہمائی رَئیچ (تا) دِرِغ خذاتہ + پیروزباد بر ساد (تاسر)



# گاه هاون

مس و وه پیروزگر باد مینوی مهر ایران داور
هزارگوش بیور چشم راست راست داور تیزتیز
داور خشن اتهر اهورهِ مزدا اشم وهو (سه بار)
فروران مزدیسن زرتهو شتریش ویدیو اهورتنگئش
هاون ا اشئن اشه رتهو یسناچ وهمایچ خشن اتهرایچ
فرستئیچ ساونگه ا دیسایچ اشئن اشه رتهو
یسناچ وهمایچ خشن اتهرایچ فرستئیچ + میتهره
واورو گئی اشئش هزنگره گئشه بئورِ چشمن آاخت
نامن یزته رامن خاشترهِ خشن اتهر یسناچ
وهمایچ خشن اتهرایچ فرستئیچ + یتها اهو وئیری
زاتا (تاسر) + (ازاینجای) اهورم مزدام اشوئم
اشه رتوم یزمئیدِ + زرتهو شترم اشوئم اشه
رتوم یزمئیدِ + زرتهو شترهِ اشئن فروشیم یزمئیدِ

اَرِش اِسپِنتْ اِ اَشَئُنامْ یَزَمَئیدِ + اَشا اونامْ
دَنگوئیشْ سوراوْ سپِنتاوْ فْرَوَشیْ یَزَمَئیدِ اَستوتْ
مَنْهیاچا + اَپَنْ تِمْ رَتْهوامْ یَزَمَئیدِ یَئِتوشْتِمْ یَزَتامْ
هَنگَهنوشْتِمْ اَشَه رَتْهوامْ اَئیوی نَسانْتِمْ جَغموشْتِمْ
اَشَئُنْ اَشَه رَتْهوْ رَتوْ فْرِیتیمْ یَزَمَئیدِ + (تا اینجای)

هاوْنِمْ اَشَوَنِمْ اَشَه رَتومْ یَزَمَئیدِ + هَئورْوَتاتِمْ اَشَوَنِمْ اَشَه رَتومْ
یَزَمَئیدِ + اَمِرْتاتِمْ اَشَوَنِمْ اَشَه رَتومْ یَزَمَئیدِ + آهوئیریمْ فْرَشِنِمْ اَشَوَنِمْ
اَشَه رَتومْ یَزَمَئیدِ + آهوئیریمْ تَکَئِشِمْ
اَشَوَنِمْ اَشَه رَتومْ یَزَمَئیدِ + یَسْنِمْ سورِمْ هیتَنگهایْ
تِمْ اَشَوَنِمْ اَشَه رَتومْ یَزَمَئیدِ + ساوَنگهِمْ ویسپیچْ
اَشَوَنِمْ اَشَه رَتومْ یَزَمَئیدِ + آئیرْیَمَنِمْ ایشیمْ
اَشَوَنِمْ اَشَه رَتومْ یَزَمَئیدِ + اَمَوَنْتِمْ وِرْتْرَاجَنِمْ
وِیتْ بَئِشَنگهِمْ ویسپ تَبَیَشاوْ تَئورْوَنْتِمْ ویسپ
تَبَیَشاوْ تیتَرِنْتِمْ یْ اوِیمْ یْ مَذِمْ یْ فْرِرِتِمْ



اَزیزْدی - تَرَ ماتْهْرِمْ پَنْجْ گاتْهاوْ + مِیتْهْرِمْ وَاوْرو
گَئْیْ اَئیتِمْ یَزَمَئیدِ + راتْجْ خاسْتْرِمْ یَزَمَئیدِ -
ویسپِ رَتْهوْ یَنایْجْ وَهْمایْجْ + ویسپیچْ اَشَوَنِمْ اَشَه
رَتومْ یَزَمَئیدِ + مِیتْهْرِمْ وَاوْرو گَئْیْ اَئیتِمْ هَرَ نَگْرَ
گَئْشِمْ بَئورِ چِشْمِنْ اَ اُخْتْنامِنْ یَزَتِمْ یَزَمَئیدِ + رامْ
خاسْتْرِمْ یَزَمَئیدِ + (از اینجا) تْهوامْ آتْرِمْ اَهورَه
مَزْدا اُ پوتْهْرِمْ اَشَوَنِمْ اَشَه رَتومْ یَزَمَئیدِ +
هَذَرْ اَتْهْرِمْ هَذَ اَئیوْ یاوْنگهِمْ ایمَتْ بَرِسْمْ اَشَیْ
فْرَسْتَرِتِمْ اَشَوَنِمْ اَشَه رَتومْ یَزَمَئیدِ + اَپامْ نَپاتارِمْ
یَزَمَئیدِ + مَنَئیریمْ سَنگهِمْ یَزَمَئیدِ + تَخْمِ داماَئیشْ اُپَمِنِمْ
یَزَتِمْ یَزَمَئیدِ + ایریْستَنامْ اوْرْوانْ یَزَمَئیدِ
یاوْ اَشَئُنامْ فْرَوَشیْ + رَتومْ یَزَتِمْ +
مَئیدِ یِمْ اَهورِمْ مَزْدامْ یْ اَشَه اَپَنْتِمْ یْ
جَغموشْتِمْ + ویسپِ سْرَواوْ زَرَتْهوشْتْری یَزَمَئیدِ

وئیچ هورشت شکی اُتقن یزمئیدِ ورشتیچ ورشکیم
نچ + ینگهِ هاتام آات یسن یمئیتی ونگهٔ مزدا و
اهورٔ وئتها اشات هچا یاونگهاچا تانچا تاوسچا -
یزمئیدِ + (تا اینجا) یتها اهو وئیریُ + (دوبار) یسنیچ
وهیچ اُاجیچ زوریچ آفرینامی میتهرهِ واوروگئی -
اُتئیش هزنگرهٔ گئشه هوٗرِ چیتمن اُاخت نامن یزتهِ
رامن خاشترهِ + اشم وهو + (یکبار) اهمائی رئشچ
(تا) دِرِغ خداتهِ - پیروز باد - برساد (تاسر)

# گاه رپتون

مس وه وه وپیروزگر باد مینوی اشه وهشت خشن-
اُتقر اهورهِ مزداا + اشم وهو + (سه بار)
فروران مزدیسن زرتهو شتریش وبدئو اهورئیش
رپیتهوینائی اشئن اشه رتهو یسنائیچ وهمائیچ
خشن اُتقراتیچ فرستیئیچ + فردت فشو زنتوماتیچ



اشئن اشه رتهو یسنائیچ وهمائیچ خشن اُتقراتیچ
فرستیئیچ + اشه وهیشتهِ آتقرِ سچ اهورهِ مزداا
خشن اُتقر یسنائیچ و همائیچ خشن اُتقراتیچ فرستیئیچ
+ یتها اهو وئیریُ زاتا + (تاسر) اهورم مزدام
اشونم اشه رتوم یزمئیدِ (از گاه هاون تا) رتهو رتوفریتم
یزمئیدِ + رپیتهوینم اشونم اشه رتوم یزمئیدِ +
اهونوئیتیم گاتهام اشئنیم اشه رتوم یزمئیدِ +
اوشتوئیتیم گاتهام اشئنیم اشه رتوم یزمئیدِ +
سپنتامئین یوم گاتهام اشئنیم اشه رتوم یزمئیدِ
+ وهوخشترام گاتهام اشئنیم اشه رتوم یزمئیدِ +
وهیشت ئیشتیم گاتهام اشئنیم اشه رتوم یزمئیدِ +
فرادت فشاوم زنتوئیچ اشونم اشه رتوم یزمئیدِ +
فشوشیچ ماتهرم یزمئیدِ + ارشوخذیچ واچم
یزمئیدِ + وچ ارشوخذ یزمئیدِ + وارتهرغنیش

دئوُ غنغت یزمئیدِ + اَیسَچ + زِ مَسچ یزمئیدِ + اورُو-
راوُچ مَئین یوَچ یزت یزمئیدِ + یئ دُنگهرُ داو
اَشَونُ + اَ مِشچ سِپنت اِ اَشئنامْ یزمئیدِ +
اَشا اونامْ دُنگهوئیشْ سوراوُ سپنتا وُ فروشی
یزمئیدِ + بَرِشنوشچ اَشَه یَت وَهیشتَه + مَزیشت
اَتهرَ مَزیشت وِرزی مَزیشت اورُ وئیتی مَزیشت
هَیتهیا وِرزی مَزیشت وَیدَئیتهیَ دَئنیا وُ مازدَیسنُ
ئیشْ یزمئیدِ + آوَت وِیا خَیچ هَچَیچ یَت اَشَه
اَمِشنامْ سپنتنامْ بَرِشنوُ اَونگهِ اَشَنُ غمتم زَنتو-
مَه رَتهوُ یَسنا ئیچ وَهما ئیچ + کَرنتو ما ئیچ اَشَونمْ اَشَه
رَتومْ یزمئیدِ + اَشمْ وُهیشتم آتَرِچ اَهورَه مَزداا
پوتهرم یزمئیدِ تهوانم آتَرِم اَهورَه مَزداا پوتهرم
اَشَونمْ اَشَه رَتومْ یزمئیدِ + (از گاه هاون تا) تاسچا
تاوسچا یزمئیدِ + یَتها اَهو وئیریُ + (تا سر دو بار)



یَسنیچ وَ هیچ اَ اَجیچ زَوَرِچ آفرینامی اَشَه وَهیشتَه
اَتهرَ ئیچ اَهورَه مَزداا + اَشِمْ وُهو + (یکبار) اَهمائی رَئیچ
(تا) زَرَوانَه دَرِعْ خَذاتَه - پیروز باد - برساد
(تا سر)

# گاه ازیرن

مس وُوه و پیروزگر باد مینوی رت و برزت
خشنُ اَتهرَ اَهورَه مَزداا + اَشِمْ وُهو (تا سر سه بار)
فَروَرانِ مَزدَیسنُ زَرَتهوشتریش وِیدَئوَ اَهورَ-
تکَئیشْ اوزی ئیرینائی اَشَئنْ اَشَه رَتهوِ یَسنا ئیچ
وَهما ئیچ خشنَ اَتهرا ئیچ فرَسَتیئیچ + فرادَت ویرائی
دَخیوما ئیچ اَشَئنْ اَشَه رَتهوِ یَسنا ئیچ وَهما ئیچ
خشنَ اَتهرا ئیچ فرَسَتیئیچ + بَرِزَت اَهورَه نِفدَرْ
آپامْ اَپَسچ مَزدَ ذاتیا وُ خشنَ اَتهرَ یَسنا ئیچ
وَهما ئیچ خشنَ اَتهرا ئیچ فرَسَتیئیچ + یَتها اَهو وئیریُ

زَاُتا + (تا سر خواندن) اَهُورِمْ مَزدا اَشَوَنَمْ اَشَه
رَتُومْ یَزَمَئیدِ (از گاه هاون تا) رَتهُو رَتو فریتیمْ یَزَمَئیدِ +
اوزَیئیری نَمْ اَشَوَنَمْ اَشَه رَتُومْ یَزَمَئیدِ + زَاُتارِمْ
اَشَوَنَمْ اَشَه رَتُومْ یَزَمَئیدِ + هاوَنانَمْ اَشَوَنَمْ
اَشَه رَتُومْ یَزَمَئیدِ + آثرَوَخشمْ اَشَوَنَمْ اَشَه
رَتُومْ یَزَمَئیدِ + فَرَبَرتارِمْ اَشَوَنَمْ اَشَه رَتُومْ
یَزَمَئیدِ + آبِرِتِمْ اَشَوَنَمْ اَشَه رَتُومْ یَزَمَئیدِ +
آسنَتارِمْ اَشَوَنَمْ اَشَه رَتُومْ یَزَمَئیدِ رَئتهُویشکَرِمْ
اَشَوَنَمْ اَشَه رَتُومْ یَزَمَئیدِ + سَرَاُشاوَرِزِمْ
اَشَوَنَمْ اَشَه رَتُومْ یَزَمَئیدِ + فَرادَتْ ویرِمْ
دَخیومَچَ اَشَوَنَمْ اَشَه رَتُومْ یَزَمَئیدِ + سَتَرِ-
اوشَچَ ماوَنگهَچَ هُورِچَ رَاُچاوْ یَزَمَئیدِ + اَنَغرَ
رَاُچاوْ یَزَمَئیدِ + آفرِسَنگهانَچَ خاثرِمْ یَزَمَئیدِ +
یا نَرِدِشْ سادَرَ دُرِگوتْ + هَئیتهیاوَرِزِمْ اَشَوَ



اَشَه رَتُومْ یَزَمَئیدِ + اَیَرِچَ تَکَئشِمْ یَزَمَئیدِ + -
هَئیتهیاوَرِزِمْ اَشَوَنَمْ اَشَئنَ شتیمْ یَزَمَئیدِ + یَئیتی
اَسنی یَئیتی خشَفنِ یَسْ بِرِتانِیْ زاُثرانِیْ دَخیومَه
رَتهُو یَنایَچَ وَهمایَچَ دَخیومَچَ اَشَوَنَمْ اَشَه رَتُومْ
یَزَمَئیدِ + بِرِزَنتِمْ اَهورِمْ خشَثرِیمْ خشَئتِمْ اَپانَمْ
نَپاتِمْ اَاوروتْ اَسپِمْ یَزَمَئیدِ + اَیَچَ مَزدَذاتانَمْ
اَشَئیتِمْ یَزَمَئیدِ + تهُوانَمْ آثرِمْ اَهورَه مَزدا اُ -
پوثرِمْ اَشَوَنَمْ اَشَه رَتُومْ یَزَمَئیدِ + (از گاه هاون تا)
تانَچا تاوَچا یَزَمَئیدِ + یَتها اَهو وَئیریْ (دوبار)
یَسْنَچَ وَهمَچَ اَاُجَسْچَ زَوَرِچَ آفرینامی بِرِزَتْ
اَهورَه نَفِذرُ اَپانَمْ اَپَسْچَ مَزدَذاتایاوْ + اَشِمْ وُهو
(یکبار) اَهمائی رَئشچَ (تا) دَرِغَ خَذاتَه اَشِمْ وُهو
(یکبار) پیروز باد برساد (تا سر)

# گاه ایوسرترم

مس و ده و پیروزگر باد مینوی اشوان فروهر
مینوی ورج و رهرام ایزد اشوی درجاوند
وهماوند پیروزگر خشن اتهرو اهوره مزدا +
اشم وهو + (سه بار خواندن) فروران مزدیسن -
زرتهوشترش ویدئو اهورتکیش ایوسرو تهریمائی
آئی بی گیائی اشئن اشه رتهو یسنا ئیچ وهمائیچ
خشن اتهرائیچ فرستیئیچ + فرادت ویسپام هوجیا-
یت ا زرتهوشترو تمائیچ اشئن اشه رتهو یسنا ئیچ
وهمائیچ خشن اتهرائیچ فرستیئیچ + اشا اونام فروشینام
غنانامچ ویرو اتهونام یائیریاوسچ هوشیت ویش
ارمچ هوتاشته هوراذه ورتهر غنیچ اهورذاته
وئین تیاوسچ اویرتات خشن اتهر یسنا ئیچ -
وهمائیچ خشن اتهرائیچ فرستیئیچ + یتها اهو وئیری



زاتا + (تا سر) اهورم مزدام اشوئم اشه رتوم
یزمئیدِ + (از گاه هادن تا) رتهو رتو فریتیم یزمئیدِ
ایوی سروتهریم اشوئم اشه رتوم یزمئیدِ + آئی-
بی گائیم اشوئم اشه رتوم یزمئیدِ + تهوام آترم
اهوره مزدا پوتهرم اشوئم اشه رتوم یزمئیدِ +
هذ زاتهرم هذ ایئو یاونگهنم ایمت برسم اشوئ
فرستیرتم اشوئم اشه رتوم یزمئیدِ + آپ
اورو ویرِ یزمئیدِ + آ اورو تام اورونِ اشوئم
اشه رتوم یزمئیدِ + فرادت ویسپام هوجیائیم
اشوئم اشه رتوم یزمئیدِ + زرتهوشترم اشوئم
اشه رتوم یزمئیدِ + ماتهرم سپنتم اشوئم اشه
رتوم یزمئیدِ + گئوش اورو انم اشوئم اشه
رتوم یزمئیدِ + زرتهوشترئیچ اشوئم اشه رتوم
یزمئیدِ + زرتهوشترم اشوئم اشه رتوم یزمئیدِ

اَتھرونم اَشَونم اَشَہِ رَتوم یَزَمَئیدِ + رَتھیشتام
اَشَونم اَشَہِ رَتوم یَزَمَئیدِ + واسترَیم فشوئینتم
اَشَونم اَشَہِ رَتوم یَزَمَئیدِ + نمانَہِ نمانَ پَئیتیم
اَشَونم اَشَہِ رَتوم یَزَمَئیدِ + ویسِ ویسپَ پَئیتیم
اَشَونم اَشَہِ رَتوم یَزَمَئیدِ + زَنتِ اوشْ زَنتو
پَئیتی اَشَونم اَشَہِ رَتوم یَزَمَئیدِ + دَئینگہِ اوشْ
دَئینگہو پَئیتیم اَشَونم اَشَہِ رَتوم یَزَمَئیدِ + یوانم
ہومَنَنگہم ہوَخَنگہم ہوشکی اَتھنم ہوَدَئنم اَشَونم
اَشَہِ رَتوم یَزَمَئیدِ + یوانم اوخذ وَخَنگہم اَشَونم
اَشَہِ رَتوم یَزَمَئیدِ + خَئِتوَدَتھم اَشَونم اَشَہِ رَتوم
یَزَمَئیدِ + دَئینگہا اورَوَئسیم اَشَونم اَشَہِ رَتوم یَزَمَئیدِ
ہومائیم پَئیری جَتھنم اَشَونم اَشَہِ رَتوم یَزَمَئیدِ +
نمانَہِ نمانَ پَتھنم اَشَونم اَشَہِ رَتوم یَزَمَئیدِ +
نائیریکانَم اَشَئیم یَزَمَئیدِ + فرای ہومَتانم



فرای ہوخَتانم فرای ہوَرَشتانم ہوش بامْ سانستانم
رَتوخشَتَرانم اَشَئیم یامْ اَرَئیتیم پینتانم یاوَسچ تِ غناوَ اَہورَ
مَزدَ + نَرِچ اَشَونم اَشَہِ رَتوم یَزَمَئیدِ + فرای ہومَتیم فرای ہوخَتیم
فرای ہوَرَشتیم ویسْتُ فرَاَرَئیتیم اویسْتُ کَیدِم بَنگہِ
شکی اَتھنائیش گَئِتھاوَ اَشَ فرادِنتِ + زَرَتھوشترِ
تَمَہِ رَتھوَ یَسنائیچ وَ ہمائیچ زَرَتھوشترَہیچ اَشَونم
اَشَہِ رَتوم یَزَمَئیدِ + اَشا اونامْ وَنگوہیش سوراوْ
پینتاوْ فرَروَشی یَزَمَئیدِ + غناوَ سپَچ وَیرواتھواوْ
یَزَمَئیدِ + یائیریانچ ہوشی تیم یَزَمَئیدِ + اَرَمچ ہوَتَشتیم
ہوَراذم یَزَمَئیدِ + وِرْتھرَ تغنچ اَہورَ ذاتم یَزَمَئیدِ +
وَئیئن تیچ اوپَرَتاتم یَزَمَئیدِ + تھوانم آترم اَہورَہِ
مَزداا پوتھرم اَشَونم اَشَہِ رَتوم یَزَمَئیدِ + (ارگاہ
ہاون تا) تاسچا تاوسچا یَزَمَئیدِ + یَتھا اَہو وَئیریِ +
(دوبار) یَسنچ وَہمچ اَرَسچ زَوَرچ آفرینامی اَشا اونامْ

فروشینام غناناچ ویرو وانهونام یائیریاوسچ
هوشیتئیش اهچ هوتاشتهه هورادهه ورتهر-
غنهچ اهورذاتهه وئیئن تیاوسچ اویرتات + اشم
وهو (یکبار) اهمائی رئشچ (تا) درغ خذاتهه -

پیروز باد برساد (تاسر)

# گاه اشهن

مس و وه و پیروزگر باد مینوی سروش درشن
و اشتاد خشن اتهر اهوره مزدا اشم وهو (سه بار)
فروران مزدیسن زرتهو شتریش ویدیو اهورتکئش
اوشهینائی اشئن اشه رتهویناچ وهماچ-
خشن اتهراچ فرستیچ + برجیائی نمانیاچ اشئن
اشه رتهویناچ وهماچ خشن اتهراچ فرستیچ
سرا اشه اشیوت ورتهراجن فرادت گئتهه
رشنئش رزیشتهه ارشتائیچ فرادت گئتهیاو-



دردت گئتهیاو خشن اتهر یسناچ وهماچ-
خشن اتهراچ فرستیچ + بتها اهو ئیری زاتا
(تاسر یکبار) اهورم مزدام اشونم اشه رتوم یزمئید +
(از گاه هادن تا) رتهو رتوفریتیم یزمئید + اوشهینم-
اشونم اشه رتوم یزمئید + اوشام شریرام
یزمئید + اوشا ونگهم یزمئید + خش ئیتهینم-
روت اسپام فرمن نرام فرمن نر دیرام
یا خاتهر وئیتی نمانیائیتی + اوشا ونگهم یزمئید
رویم رنجت اسپام یا سنت ئیتی هیت کر-
شوئیریم زام — اوام اوشام یزمئید - اهوم
مزدام اشونم اشه رتوم یزمئید - وهومن
یزمئید + اشم وهیشتم یزمئید خشتهرم وئیریم
یزمئید - سپنتام ونگوهیم آرمئیتیم یزمئید + بزیم
اشونم اشه رتوم یزمئید - برج ونگه اوش

اَشَه - بِرِّجَ دئِنیاوْ وُنگهو یاوْ مَزْدَیَسْنُ یَئِشْ -
نُمانیهِ رَتْهُوَ یَسْنا یَچْ وَهْمایَچْ نُمانیچْ اَشَوَ نِمْ اَشَه
رَتُومْ یَزَمَئیدِ + سَرَ اُشْتِمْ اَشیمْ هوَرَ اُذِمْ وِرْ-
تْهْراجَنِمْ فَرادَتْ گَئِتِهِمْ اَشَوَ نِمْ اَشَه رَتُومْ یَزَمَئیدِ
رَشْنُومْ رَزیشْتِمْ یَزَمَئیدِ - اَرْشْتایَچْ فَرادَتْ -
گَئِتِهامْ وَرِدَتْ گَئِتِهامْ یَزَمَئیدِ + تْهْوامْ آتْرِمْ
اَهورَهِ مَزْداا پوتْهْرِمْ اَشَوَ نِمْ اَشَه رَتُومْ یَزَمَئیدِ
(ازگاه هاون تا) تاشْچا تاوْسْچا یَزَمَئیدِ + یَتْها اَهوَئیرِیْ
(دوبار) یَسْنَچْ وَهْمَچْ اَاْجَسْچْ زَوَرِچْ آفْرینامی سَرَ-
اَشَه آشیه اَشیوَتْ وِرْ تْهْراجَنْ فَرادَتْ گَئِتِهْ
رَشْنَئِشْ رَزیشْتَه اَرْشْتاسْچْ فَرادَتْ گَئِتِهیاوْ
وَرِدَتْ گَئِتِهیاوْ + اَشِمْ وُهو (یکبار) اَهْمائی رَئِشْچْ
(تا) دَرِغْ خَذاتَه - پیروزباد - برساد (تاسر)



# ماه نیایش

مس و وه و پیروزگر باد مینوی وهمن و ماه وگوش
ورام + نِمْ اَهورائی مَزْدائی (سه بار) نِمْ اَمِشْ-
اِئیبی سِینْتَ اِئیبی + نِمْ ماوْنگهائی گَئِیْچیتْهْرائی +
نِمْ پَئِیتی دیتائی + نِمْ پَئِیتی دیبیتی خْشْنَ اَتْهْرَ
اَهورَهِ مَزْداا اَشِمْ وُهو (سه بار) فَرَوَرانِ مَزْدَیَسْنُ
زَرَتْهوشْتْرِیشْ وَیدَئوْ اَهورَ تَکَئِشْ + (هرگاه که باشد)
ماوْنگهَه گَئِیْچیتْهْرَهِ گَئوْشْچْ اَئِوْ داتیاوْ گَئوْشْچْ پَئوْرو
سَرَذیاوْ خْشْنَ اُتْهْرَ یَسْنایَچْ وَهْمایَچْ خْشْنَ اُتْهْرایَچْ
فَرَسْتَئِیچْ یَتْها اَهو وَئیرِیْ زَاْتا (تاسر) نِمْ اَهورائی
مَزْدائی (سه بار) نِمْ اَمِشْ اِئیبی سِینْتَ اِئیبی +
نِمْ ماوْنگهائی گَئِیْچیتْهْرائی + نِمْ پَئِیتی دیتائی نِمْ پَئِیتی
دیتی + کَتْ ماوْ اوخْشی یَئِیتی کَتْ ماوْ نِزْ فْسَ یَئِیتی
پَئِیچْ دَسْ ماوْ اوخْشی یَئِیتی پَئِیچْ دَسْ ماوْ نِزْ فْسَ

# گاه هاون

## ن س ر ا ی  ق س ن.*

(هـ. ن. ر.)

ترسم که ز ابر تیره و باد هوا. گردد همه روی زمین چون دریا. از بس که بود آب و گل و سنگ و گیا. ترسم که شود غرق جهان از طوفان.

(هـ. ن. ر.)

ای ابر بهاری که ز دریا برخیزی. بر دشت و بر کوه و بر صحرا ریزی. از بهر خدا مرو که ما را بستیزی. ما را ز تو بس بود همین بارانی

আবার. সমস্যাগুলি. অসংখ্য ॥

মিলিয়ে. এমনকি. ১ । অসংখ্য অসংখ্য ∴ ।
তাহলে. অসংখ্যগুলি. অসংখ্য । সংখ্যাগুলি ।
অসংখ্য. সংখ্যাগুলি. । সংখ্যাগুলি. সংখ্যাগুলি-
প্রশ্নগুলি. কীভাবে সংখ্যাগুলি । অসংখ্য-
বলে. এসো. অসংখ্য. । কীভাবে. অসংখ্য ∴

আবার. অসংখ্যগুলি. । অসংখ্য. অসংখ্য-
নয় ∴ । কীভাবে. সংখ্যাগুলি । সংখ্যাগুলি.
কীভাবে. আপনি । অসংখ্যগুলি. কীভাবে. অসংখ্য-
অসংখ্যগুলি. । অসংখ্য. অসংখ্যগুলি । সংখ্যাগুলি.
অসংখ্য ∴ । আবার. সমস্যাগুলি. অসংখ্য । কীভাবে
প্রশ্নগুলি. কীভাবে সংখ্যাগুলি । অসংখ্য-
অসংখ্যগুলি. । কীভাবে. অসংখ্য. । অসংখ্য
অসংখ্য. । কীভাবে. অসংখ্য. । অসংখ্য
অসংখ্য. । কীভাবে. অসংখ্য । অসংখ্য
কীভাবে. । অসংখ্য. অসংখ্য । অসংখ্য
অসংখ্য. । কীভাবে

مرگ‌سرخ. ۱ گاه‌شمار دهم سرزمین‌ها. ۲ گاه‌شمار سرخ. ۳ گاه‌شمار سرخ. ۴ گاه‌شمار سرخ. ۵ گاه‌شمار سرخ. ۶ گاه‌شمار سرخ. ۷ گاه‌شمار سرخ. ۸ گاه‌شمار سرخ. ۹ گاه‌شمار سرخ. ۱۰ گاه‌شمار سرخ. ۱۱ گاه‌شمار سرخ. ۱۲ گاه‌شمار سرخ. ۱۳ گاه‌شمار سرخ. ۱۴ گاه‌شمار سرخ.

सेवेतां. सर्वदा सत्यमेव. ज्येष्ठश्रेष्ठमनुष्यैश्च. । एवं-
धर्मान्. यथाकाल. भोजनादि. दद्याच्छ्रेष्ठमनुष्यैश्च. । एवं-
भान्. सर्वदा. भोजनादि. कुर्यात्. । सर्वदा. गृहस्थधर्म:.

गृहस्थधर्म: ॥

गृहस्थ. । अस्मिन्नेव. धर्मस्य. मूलं. । धर्मस्य. फलं.
धर्मस्य. । अर्थस्य. । अर्थस्य. । सुखस्य. । सुखस्य.
फलं. । धर्मस्य. । अर्थस्य. । सुखस्य. । धर्मस्य. । अर्थस्य.
फलं. । सुखस्य. । धर्मस्य. । अर्थस्य. । सुखस्य. । धर्मस्य.
फलं. । अर्थस्य. । सुखस्य. । धर्मस्य. । अर्थ

# شاه انزیرین

## دیباچهٔ شمس *

شمس ج. ظاهر ج. مولکوسک رسو۱ بداج. د. کمیه. «س-
رسکیسه۱

مرتضی. شمس‌الدین. سرخس‌ابرکن. غسرکوسه :

سمیه. خاوند ۰ (۰ سه. رسو ۰) :

کیاسه‌رسه‌کن ۱ غسرکوسه‌دردسه‌ج. کسه‌اسرکن‌دن‌
مادرن. ۱ خاوسه‌کن‌ج. سرخس‌ابرکن. سرخس‌ابرکن. ۱ دکن‌
دردکرد‌ج‌سر. سرخس‌ج‌کن. سرخس‌ابرکن. ابرکرکن. ۱
شمس‌ج‌سردکن. خاسرکن‌سردکن. ۱ مرخس‌ج‌کن‌سردکن.
کیاسه‌دسه‌دکن‌سردکن :۱ کیاسوسه‌خاه‌اسر. وس-
سرددکن‌سردکن. ۱ سرخس‌ج‌کن. سرخس‌ابرکن. ابرکرکن.
شمس‌ج‌سردکن. خاسرکن‌سردکن. ۱ مرخس‌ج‌کن‌سردکن.
کیاسه‌دسه‌دکن‌سردکن :۱

کیاسوسه‌خاه‌اسر. وس‌سرددکن‌سردکن. سرخس‌ابرکن. ۱
شمس‌ج‌سردکن. خاسرکن‌سردکن. ۱ مرخس‌ج‌کن‌سردکن.
سرددکن‌سردکن. ۱ سرخس‌ج‌کن. سرخس‌ابرکن. ابرکرکن.
ابرکرکن‌سردکن. سرخس‌ابرکن. ابرکرکن. ۱ شمس‌ج‌سردکن :۱
کیاسه‌دسه‌دکن‌سردکن :۱ کیاسوسه‌خاه‌اسر. وس‌سرددکن‌سردکن.

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] (۱۳۰۰ [illegible]) ∴

[illegible] [illegible] [illegible] ∴ [illegible] ∴ [illegible] ∴

[illegible] [illegible] ∴

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ∴ [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

सामन्तराय. इसके. अमरसिंहराय ॥ उस समय पृथ्वीराज-कन्नौज-विजय-यात्रा में था। उसने कन्नौज पर आक्रमण किया। युद्ध में जयचंद मारा गया। पृथ्वीराज ने कन्नौज को लूटा। इस युद्ध में पृथ्वीराज के सामन्त अमरसिंह ने बड़ी वीरता दिखाई। इसके उपलक्ष्य में पृथ्वीराज ने अमरसिंह को कन्नौज का राज्य दिया। इसके अमरसिंह ने कन्नौज में अपना राज्य स्थापित किया। इसके बाद अमरसिंह ने अपने स्वामी पृथ्वीराज के विरुद्ध विद्रोह किया। पृथ्वीराज ने अमरसिंह को दण्ड देने के लिए अपने सामन्त चामुण्डराय को भेजा। चामुण्डराय ने अमरसिंह को युद्ध में मारा। इसके बाद कन्नौज पृथ्वीराज के अधिकार में आ ग

रुद्राक्षमाहात्म्य- अध्यायः ७० ।

सनत्कुमार उवाच । अधुना संप्रवक्ष्यामि । शिवभक्तैकलक्षणम् । सर्वपापहरं पुण्यं सर्वदुःखविनाशनम् । सर्वसम्पत्करं पुंसां सर्वाभीष्टफलप्रदम् । सर्वरोगहरं पुंसां सर्वापत्तिनिवारणम् । सर्वाभिचारशमनं सर्वाधिव्याधिनाशनम् । सर्वाकालमृत्युहरणं सर्वाकालसुखप्रदम् । सर्वाकालसुखप्रदं च । अधुना संप्रवक्ष्यामि । रुद्राक्षमाहात्म्यमुत्तमम् । शिवभक्तैकलक्षणम् । अध्यायः ७० । अथाध्यायः । रुद्राक्षमाहात्म्यं । अधुना संप्रवक्ष्यामि । शिवभक्तैकलक्षणम् । शिवभक्तैकलक्षणम् । अधुना संप्रवक्ष्यामि

# گاه آوشی‌هن

## (مهرنرسه) مهرنه*

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] (۱۲۳۳ق) [illegible] ۰ ∴ [illegible] ۰ ∴ [illegible] ۰ ∴

[illegible] ۰ ∴

[illegible] ۰ ∴ [illegible] ۱ [illegible] [illegible] ۱ [illegible] [illegible] ۱ [illegible]

اَشَه - بِرِّجَ دئِنیاوْ وُنگهو یاوْ مَزْدَیَسْنُ یَئِشْ -
نُمانیهِ رَتْهُوَ یَسْنا یَئِچْ وَهْمایَئِچْ نُمانیچْ اَشَوَ نِمْ اَشَه
رَتُومْ یَزَمَئیدِ + سَرَ اُشْتِمْ اَشیمْ هوَرَ اُذِمْ وِرْ-
تْهْراجَنِمْ فَرادَتْ گَئِتِهِمْ اَشَوَ نِمْ اَشَه رَتُومْ یَزَمَئیدِ
رَشْنُومْ رَزیشْتِمْ یَزَمَئیدِ - اَرْشْتانَچْ فَرادَتْ -
گَئِتِهامْ وَرِدَتْ گَئِتِهامْ یَزَمَئیدِ + تْهْوامْ آتْرِمْ
اَهوَرَهِ مَزْداآ پوتْهْرِمْ اَشَوَ نِمْ اَشَه رَتُومْ یَزَمَئیدِ
(ازگاه هاون تا) تانْشْچا تاوْشْچا یَزَمَئیدِ + یَتْها اَهوَئیرِ
(دوبار) یَسْنِچْ وَهْچْ اَاْجَسْچْ زَوَرِچْ آفْرینامی سَرَ-
اَشَه آشیه اَشیوَتْ وِرْتْهْراجَنْ فَرادَتْ گَئِتِهْ
رَشْنَئِشْ رَزیشْتَهِ اَرْشْتانَسْچْ فَرادَتْ گَئِتِهیاوْ
وَرِدَتْ گَئِتِهیاوْ + اَشِمْ وُهو (یکبار) اَهْمائی رَئِشْچْ
(تا) دَرِغْ خَذاتَه - پیروزباد - برساد (تاسر)



# ماه نیایش

مس و وه و پیروزگر باد مینوی وهمن و ماه وگوش
ورام + نِمْ اَهورائی مَزْدائی (سه بار) نِمْ اَمِشْ-
اِئیبی سِینْتَ اِئیبی + نِمْ ماوْنگهائی گَئِیْچِیْتْهْرائی +
نِمْ پَئِیتی دیتائی + نِمْ پَئِیتی دیتی خْشْنَ اَتْهْرَ
اَهوَرَهِ مَزْداآ اَشِمْ وُهو (سه بار) فَرَوَرانِ مَزْدَیَسْنُ
زَرَتْهوشْتْرِیشْ وَیدَئوْ اَهوَرَ تَکَئِشْ + (هرگاه که باشد)
ماوْنگهَه گَئِیْچِیْتْهْرَهِ گَئوْشْچَ اَئِوْ داتیاوْ گَئوْشْچَ پَئوْرو
سَرَذیاوْ خْشْنَ اُتْهْرَ یَسْنا یَئِچْ وَهْمایَئِچْ خْشْنَ اُتْهْرایَئِچْ
فَرَسْتَئِچْ یَتْها اَهو وَئیرِی زَاْتا (تاسر) نِمْ اَهورائی
مَزْدائی (سه بار) نِمْ اَمِشْ اِئیبی سِینْتَ اِئیبی +
نِمْ ماوْنگهائی گَئِیْچِیْتْهْرائی + نِمْ پَئِیتی دیتائی نِمْ پَئِیتی
دیتی + کَتْ ماوْ اوخْشْیِ یَئِیتی کَتْ ماوْ نِزْ فْسَ یَئِیتی
پَئِیچْ دَسْ ماوْ اوخْشْیِ یَئِیتی پَئِیچْ دَسْ ماوْ نِزْ فْسَ

ئیتی + یاوھِ اوخشیانتات تاو نِرّفسانتات +
تاو نِرّفسانتات + تاو نِرّفسانتات یاوھِ اوخشیانتا-
تیجیت + کِ یاو ماو اوخشیِ ئیتی نِرّفس ئیتی تھوت +
ماونگھم گئیجیتھرم اَشوَنم اَشہِ رَتوم یَزَمئیدِ +
تَت ماونگھم ئیئیتی وَرَئنم تَت ماونگھم ئیئیتی ویسم
رَاخشنم ماونگھم اَئیوی وَئنم رَاخشنم ماونگھم اَئیوی
ویسم + ھیشتنتی اَمشاوسپنت خَرَن داری ئینتی
ھیشتنتی اَمشاوسپنت خَرَن بخشنتی زام ئیئیتی
اَھورَذاتام - آآت یَت ماونگھم رَامشن تاپیہ
ئیتی ھیشتی اورُوَرَنام زَئیری گئنام زَرَمئم ئیئیتی
زِماذ اوزوخشیِ ئیتی - اَنتَرِ ماونگھاوسچ پیرن ماونگھاو-
سچ ویشپ تھاوسچ + اَنتَرِ ماونگھم اَشوَنم اَشہِ
رَتوم یَزَمئیدِ + پیرن ماونگھم اَشوَنم اَشہِ رَتوم یَزَمئیدِ
ویشپ تھم اَشوَنم اَشہِ رَتوم یَزَمئیدِ +



یَزَائی ماونگھم گئیجیتھرم بَغم رَئونتم خَرَنگھو ھَنتم اَفنگھو
ھَنتم تَفنگھو ھَنتم وَرِجَنگھو ھَنتم خشاوَنتم ایشتونتم -
یَخشتونتم سَئگھونتم زَئیریم یاذنتم وُھوا وَنتم بَغم
بَئشزم + آہ رَی خَرَنگھ - تم یَزَائی سورونوت
یَسن - ماونگھم گئیجیتھرم زَاتھرائی + ماونگھم گئیجیتھرم
اَشوَنم اَشہِ رَتوم یَزَمئیدِ - ھَمئی گو بَرِسمَن-
ھیزو دَنگھَنگھَ ماتھرَچ وَچ رَشنی اَتھَچ زَاتھرَیسچ-
اَرشوخذ اَئیَیسچ واغزیئی + ئینگھہ ھاتام آآت
یَسن ئیئیتی وَنگھہ مَزداو اَھورُ وَئتھا اَشات ھَچا-
یاونگھاچا تاسچا تاوسچا یَزَمئیدِ + یَتھا اَھوَئیری
(دوبار) یَسنچ وَھیچ اَاَجسچ زَوَرِچ آفرینامی ماونگھم
گئیجیتھرہ گئوشچ اَئوداتیاو گئوشچ پئورو سَرِذیاو +
دَشت اَمم وِرّتھرَغنچ - دَشت گئوش خاتھرَنھیم-
دَشت نَرام پئورو تاتم - شتا ھیناتم ویاخنام-

وَنَتَامْ اَوَهْمَنَامْ - هَتْهَرَ وَنَتَامْ هَمِرْتَهِ - هَتْهَرَ
وَنَتَامْ دُوشْ مَئِينْ يُوشْ - سْتِ رَپِتَامْ چِيتْهَرَ وَنْگْهَامْ +
يَزَتَ پِئُورو خَرِ نَنْگْهَهَ - يَزَتَ پِئُورو بَئِشْنَرَ چِيتْهَرَ
وُ بو يارِشْ مَسانَاوْ - چِيتْهَرَ وُ زَوَنْ سَوْ + چِيتْهَرِمْ
بُئِيتْ يوتِ مِجْيِتْ خَرِنْ - يَزِ مْنائِ آپِ دايَتَ +
اَشِمْ وُهو (يكبار) اَهْمائِ رَئِشْچَ (تا) دَرِغْ خَذاتَهِ
پيروزباد ماه خدا بوختيار بختيار روشن روشن
ديدار روشن روشن كردار گوسپند تخمه گاو سرده
اشوئ پيروزگر باد + (سه بار) درون چون كوهى
فره سست چين چكاتى مانوى چين مانوى گاو
سرزرين سُم سيمين شيوتلش لعل و پيروزه ومروارید
حاجت حاجت مان روا كن كام دُنى مراد آخرت
اشوئ روانى مينوى دودنى همسايه دهم بوم
دهم برنيكان و وهان بيم دور از بدگويان و



اشموغان بيم چشم حسودان وزبان بدگويان دست
ظالمان از بالاى سرمان كوته داری تو ماه ايزد
امشاسپند پيروزگر اَشِمْ وُهو پيروزباد برساد +

## هرمزديشت

مس و وه پيروزگر باد مينوى دادار اورمزد رايومند خرومند هروبسپ آگاه
دانای توانای توانكردار آمرزيدار آمرزش كردار اوخشيدار
اوخشايشنيگر هروسپ نيكه دادار هروسپ نيكه داشتار -
هروسپ اناكه اداژ داشتار پرخروه كرفه گردس
هوج پيروزگر چمنای تگين خاور آفريدار فريادرس
اُرْواخشان نامیان نامتوم خدايان خدايتوم كردارن
كردارتوم رد هروسپ وينيان دين پرداران ايدون
باد ايدون ترج باد + خشْنَ اُهْمَرَ اَهورَهِ مَزْدا اُترَ-
ايديت آنْگْرَهِ مَئِينْ يُوشْ هَيْتِيا وَرْشْتامْ هَيْتِ
وُسْنافْرَشْتِمْ + فْرَشْتَوِي هومَتْشَ بِيشْچا هوخشَ بِيشْچا

[illegible] (۱۲۳۳ق) [illegible] ۰ ∴ [illegible] ۰ ∴ [illegible] ۰ ∴

[illegible] ۰ ∴

[illegible] ۰ ∴ [illegible] ۱ ۰ ۱۳ ۰ [illegible] ∴ [illegible] ۱ [illegible] ۰ (۱۲۳۰ ق) ∴

[illegible] ۰ (۱۲۳۰ ق) ∴

[illegible] ۱ [illegible] ۱ [illegible] ۱ [

श्रीरामः सर्वज्ञः सर्वदर्शी। सर्वान्तरात्मा सर्वभूतानां हृदयेषु निवसन्। सर्वज्ञः सर्वशक्तिः। सर्वदर्शी सर्वज्ञः

ततश्च। अन्तर्धत्त। अथ एनमब्रवीत्। अनन्तरं च। अनन्तरमेव। अनन्तरमेव। अनन्तरमेव

وَنَتَامْ اَوَهْمَنَامْ - هَتْهَرَ وَنَتَامْ هَمْرَتَهِ - هَتْهَرَ
وَنَتَامْ دُوشْ مَئِينْ يُوشْ - سْتِ رَپِتَامْ چِيتْهَرَ وَنْگَهَامْ +
يَزَتَ يُئُورو خَرْنَنْگَهَهْ - يَزَتَ يُئُورو بَئِشَزَ چِيتْهَرَ
وُ بو يارِشْ مَسانَاوْ - چِيتْهَرَ وُ زَوَنْ سَوْ + چِيتْهَرَمْ
بُئِيتْ يوتِ مِجْيِتْ خَرْنْ - يَزِ مْنائِ آپِ دايَتَ +
اَشَمْ وُهو (يكبار) اَهْمائِ رَئِشْچَ (تا) دَرِغْ خَذاتَهْ
پيروزباد ماه خدا بوختيار بختيار روشن روشن
ديدار روشن روشن كردار گوسپند تخمه گاو سرده
اشوئ پيروزگر باد + (سه بار) درون چون كوهى
فره ست چين چكاتى مانوى چين مانوى گاو
سرزرين سُم سيمين شيوتلش لعل و پيروزه ومروارید
حاجت حاجت مان روا كن كام دُنى مراد آخرت
اشوئ روانى مينوى دودنى همسايه دهم بوم
دهم برنيكان و وهان بيم دور از بدگويان و



اشموغان بيم چشم حسودان وزبان بدگويان دست
ظالمان از بالاى سرمان كوته داری تو ماه ايزد
امشاسپند پيروزگر اَشَمْ وُهو پيروزباد برساد +

## هرمزديشت

مس و وه پيروزگر باد مينوى دادار اورمزد رايومند خرو همند هروبسپ آگاه
دانای توانای توانكردار آمرزيدار آمرزش كردار اوخشيدار
اوخشايشنيگر هروسپ نيكه دادار هروسپ نيكه داشتار -
هروسپ اناكه اداژ داشتار پرخروه كرفه گردس
هوج پيروزگر چمنای تگين خاور آفريدار فريادرس
اُرْواخشان نامیان نامتوم خدايان خدايتوم كردارن
كردارتوم رد هروسپ وينيان دين پرداران ايدون
باد ايدون ترج باد + خشْنَ اُهْمَرَ اَهورَهِ مَزْدا اُترَ-
ايديت آنْگَرَهِ مَئِينْ يُوشْ هَيْتِيا وَرْشْتامْ هَيْتِ
وُسْنافْرَشْتِمْ + فْرَشْتوِي هومَتْئِ بِيشْچا هوخْشِئِ بِيشْچا

هورشتئی بیئیچا اُهوئی بیئیچا وَ خِذوئی بیئیچا وَرشتوئی بیئیچا
اَئی بی گئیریا دَئیتِهِ ویسپا هومتاچا هوخ‌تاچا هورشتاچا
یَئیی ریچیا وَئیتِهِ ویسپا دوشمتاچا دوژوخ‌تاچا دوژدورشتاچا
فرا وِ راهی اَمِشا سپنتا یَسنیچا وَهمچا فرامَنَنگهاَ فرا
وَچَنگهاَ فرا شئی اُتهنا فرا اَنگهویا فرا تَنوَسیچیت
خیاو اوشتِم + سَت اُمی اَشِم + اَشِم وُهو (تاسر)
فروَرانِ مَزدَیَسنُ زَرَتهوشترِیش ویدئو اَهورَ تکئِش
(هرگاه که باشد) اَهورَه مَزدا اَرَئوت خرَنگهَت خشَن
اُتهرَ یَنائیچ وَهمائیچ خشَن اُتهرا ئیچ فرَسَتیچ +
یَتهاَ اَهو وَئیری زَاتا (تاسر) + پِرسَت زَرَتهوشترُ
اَهورِم مَزداَم + اَهورَ مَزدَ مئینی سپینیشت دانترِ
گئِتهنام اَستوئی تی نام اَشاوم کَت اَستی ماتهرَه
سپنتَه اَمَوَستِم کَت وِرِتهرَوستِم کَت خرَنگهَستِم
کَت یاس کرِستِم + کَت وارِتهرَ غئیتِم + کَت بَئِشَز



تِتِم کَت تَبَئِش تَئورَ ویاسِتِم دَوئو نام مَشیا نامچ + کَت
ویسپِه اَنگهِئوش اَستوَت مَن اَستی وَجَغمیشتِم
کَت ویسپِه اَنگهِئوش اَستوَت اَنگهوام اَستی
ویمَرزیشتِم + آآت مَرَاُت اَهورَ مَزداو + اَهماکِم
نام سپیتَم زَرَتهوشتریَت اَمشنام سپنتنام + تَت
اَستی ماتهرَه سپنتَه اَمَوَستِم تَت وِرِتهرَوستِم
تَت خرَنگهَستِم تَت یاس کرِستِم + تَت وارِتهرَ
غئیتِم تَت بَئِشَزیتِم تَت تَبَئِش تَئورَ ویاسِتِم
دَوئو نام مَشیا نامچ تَت ویسپِه اَنگهِئوش اَستوَت
مَن اَستی وَجَغمیشتِم تَت ویسپِه اَنگهوام اَستی
ویمَرزیشتِم + آآت اُخت زَرَتهوشترُ +
فرئیت رِم تَت نام فرَمر وئیذی - اَشاوم
اَهورَ مَزدَ یَت اَستی مَزیشتِچ وَهیشتِچ
سرَاِشتِچ یاس کرِستِچ وارِتهرَ غئیتِچ بَئِشَزیتِچ

تبئیش تئوز ویاں ستیچ دئوں نام مشیانانچ + بتھ ازم
تئوز وینی - ویپ دئوں مشیانیچ - بتھ ازم تئوز
وینی - ویپ یاتو پئیری کاوسچ - بت نام
نئیش تئوز ویات - نئیت دئوں نئیذ مشی -
نئیت یاتو نئیذ پئیریکاو + آات مراات اہور
مزداو + فرخشتی نام اہمی اشا ادم زرتھوشتر
بیتی وانھوی تھریتی - اوی تنی توئیری اش
وھیشت پوخذ ویپ وھو مزد ذات اش چیتھر
خشتو بت اہمی خرتوش ہپتھ خرتو ماو اشتم بت
اہمی چیس تیش نا ادم چیستی واو + دسم بت
اہمی سپان ایوندس سپنگھاو دودس اہور
تریدس سویشت چتھرودس ایمت ویدواشتو
پنچدس اوہمن خشوش دس ھات مرنیش ھپتدس
ویپ ھیشس اشتدس بئشنری نو دس بت



اہمی دات ویساستم اہمی بت اہمی مزداو
نام + یزرئش نام زرتھوشتر - پئیتی - اشنی پئیتی
خشفن - یس برتابی زاتھرابی - + جسانی ت
اونگھیچ رفننگھیچ - ازم ی اہور مزداو -
جسائی ت اونگھیچ رفننگھیچ - ی ونگھوش سر -
اش اشی - جساونتی ت اونگھیچ رفننگھیچ -
ی ونگھوش سر اش اشی - جساونتی ت اونگھیچ
رفننگھیچ - یاو آپ یاو سیچ اور وراو - یاو سیچ
اشئنام فروشی + یزی وشی زرتھوشتر -
اداو تبئشاو تئوز ویاو - دئوں نام مشیانانچ - یاتھوام
پئیریکیانانچ - ساتھرام کئیانام کرفنانچ - مئیرنیانانچ
بیزنگر نانچ - اشمئغنانچ بیزنگر نانچ - وھر
کانانچ چتھور زنگر نانچ - ھئیاوسچ پرتھو ائینی
گیاو - پرتھو درفشیاو ازذودرفشیاو اوزگریت

دُرَفشیاوْ - خرورِمْ دَرفشمْ بَرِنتیاوْ + اَهْ ایماوْ
نامنیشْ دُرِنجیْ - فَرمْرَوَ ویسپائیشْ اَیانْچ خشفنچ
پایوشْچ اَهْمی داتاچ تْهْراتاچ اَهْمی ژْناتاچ مَئینْ-
یوشْچ - اَهْمی - سپِنتْ یْچ بَئشْنْزیَ نامْ اَهْمی بَئشْتْرِمْ
نامْ اَهْمی آتْهْرَوَ نامْ اَهْمی آتْهْرَوَسْتِمْ نامْ اَهْمی
اَهوَرَ نامْ اَهْمی مَزْداوْ نامْ اَهْمی اَشَوَ نامْ اَهْمی
اَشَوَسْتِمْ نامْ اَهْمی خَرِنَنگهْ نامْ اَهْمی خَرِنَنگهْسْتِمْ -
نامْ اَهْمی پُئورو دَرْشْتَ نامْ اَهْمی پُئورو دَرْشْتِمْ
نامْ اَهْمی دوراِ دَرْشْتَ نامْ اَهْمی دوراِ دَرْشْتِمْ
نامْ اَهْمی + سپِشْتَ نامْ اَهْمی وبتَ نامْ اَهْمی داتَ
نامْ اَهْمی پاتَ نامْ اَهْمی تْهْراتَ نامْ اَهْمی ژْناتَ نامْ اَهْمی
ژْنُئیشْتَ نامْ اَهْمی فْشوماوْ نامْ اَهْمی فْشوشْ ماتْهْرَ
نامْ اَهْمی ایسِ خْشْتْهْرَ نامْ اَهْمی ایسِ خْشْتْهْرِیْتِمْ نامْ
اَهْمی نامْ خْشْتْهْرَ نامْ اَهْمی نامْ خْشْتْهْرِیْتِمْ نامْ اَهْمی



آذویشْ نامْ اَهْمی ویذویشْ نامْ اَهْمی یَئیتی پایوشْ
نامْ اَهْمی تْبَئشْ تئورْداوْ نامْ اَهْمی هَتْهْرَوَنَ نامْ
اَهْمی ویسپوَنَ نامْ اَهْمی ویسپ تَشْ نامْ اَهْمی
ویسپ خاتْهْرَ نامْ اَهْمی پِئرُو خاتْهْرَ نامْ اَهْمی
خاتْهْرَداوْ نامْ اَهْمی + وِرْزیئکَ نامْ اَهْمی وِرْ-
زیسواوْ نامْ اَهْمی سِوی نامْ اَهْمی سوراوْ نامْ اَهْمی
سِویشْتَ نامْ اَهْمی اَشْ نامْ اَهْمی بِرْزَ نامْ اَهْمی
خْشْتْهْرِیَ نامْ اَهْمی خْشْتْهْرِیْتِمْ نامْ اَهْمی هوذانوشْ
نامْ اَهْمی هوذانوشْتِمْ نامْ اَهْمی دوراِسوکَ نامْ -
اَهْمی + تاوْشْچَ ایماوْ نامْنیشْ + یَیشْچَ مِ اَهْمی
اَنگهوْ یَتْ اَشْتوئیتی سپیتِمْ زَرَتهوشْتْرَ ایماوْ
نامْنیشْ دُرِنجیْ فْرَمْرَوَ یَئیتی وا اَشْنی یَئیتی وا
خْشْفْنْ + فْرَمْرَوَ اوس وا هوشْتْ نی وا پَئیذْ
یَمْنْ نی وا نی وا پَئیذْ یَمْنْ اوسْ وا هیشْتْ

اَئیو یاؤنگہَنم وا اَئیو یاؤنگہ یَمن اَئیو یاؤنگہَنم وا
بوجَیمن فرا واشوس ہچ گاتَئت فرا وا شوس
ہچ زَنتَئت فرا واشوس ہچ دُنگہَئت آ و
جس دَخیوم آ + نَئیت دیم نَر اَنگہِ ایان نَئیت
اَنگہاؤ خشپ اَشِم دروتَہ دروخش مَنَنگہ اَوسیات
نَئیت اَکو نَئیت چکو نَئیت ایشو نَئیت کِرت
نَئیت وَزَر نَئیت ویسِنت اَسان اَوسیات +
ویسان ستَنچ ایاؤ نامنیش یَزستَنچ یَئیری وارَنچ۔
ویسِنت یَئیری مَئین یَئیات ۔ دروجت وَزیَیا۔
اَنچ ۔ دروان ایتھیات ۔ زیزی یوشتَنچ کَیذات ویپ
مَہرکا اَنچ یَئیری ۔ دروتَت یَت اَنگرات۔
مَئین یَئت ۔ + مانَین اَہِ یَہَ ھَزنگرم نرام۔
ایوم ۔ نرم اَئیو یاخش یَئیت ۔ + ک ورِتھرم
جا تھوا یَئی سنگہائی ھِنتی چیتھرا مئی دام اَھوبیش



رَتوم چیزدی اَت ھئی وھو سَراش جَنت مَنَنگہا
مَزدا اَہمائی یَہمائی وشی کَہمائی چیت + نِمِ کوم
خَرن نِم اَئیرین وَہجی نِم شَک مَزدَ ذائیت
نِم اَپ دائیت یَیاؤ نِم اَرِ دویاؤ آپ اناھی تیاؤ
نِم ویسپیا و اَشَن شتیئش + یَتھا اَھو وَئیری (دہ)
اَشِم وھو (دہ) + اَہونم وَئیریم یَزَمَئیدِ + اَشِم وَھیشتم
سَراشتم اَمشِم سپنتم یَزَمَئیدِ + اَرِمچ تھرَیچ اَمجَیچ
وِرِتھرِمچ خَرِ نَسَچ زَوَرِچ یَزَمَئیدِ + اَہورِم مَزدام
رَئونتم خَرِ نگہَنتم ۔ یَزَمَئیدِ + ینگہِ ہاتام آت یسن
پَئیتی وَنگہ مَزداؤ اہورَ وَئھا اَشات ھچا یاؤنگہاچ
تاسچا تاؤشچا یَزَمَئیدِ + یَتھا اَھو وَئیری (تا سروبا)
یَسمنچ وَھیچ اَمجَیچ زَوَرِچ آفرینامی اَہورَہ مَزدا
رَئوت خَرِ نگہَت + نیپای ئیش مَشیم اور وَھیم۔
رَئتائیت زَرَتھوشتر ۔ اَ اور وَھات پَرِ دوشمئین۔

یَئُت - ماتِم اورْوَرتِم فرابَوَیئیش سَنتهائی -
ما دوژبِرَت اِزیانام - اَپَیَت اِ مایَس یَئیش -
آاُم نَرِم دائیتِم ی نا - مَزیشتِم پِسنِم یَزائیتِ
کَیشتِم پِسنات فرایَتات - اَهمایا آرِش سپِنت +
اَذ اَشتی وُهو مَن - مَن دام زَرَتهوشتر -
ایذ اَشِم وَهیشتِم - مَن دام زَرَتهوشتر - ایذ
خشَتهرِم وَئیریم - مَن دام زَرَتهوشتر - ایذ
سپِنت آرمَئی تیش - مَن دام زَرَتهوشتر - ایذ
هَئوروَت اَمِرتات - یَئی ست وِیزدِم اَشَئنام
یَزاَستی جِسنتام - مَن دام زَرَتهوشتر + وَرتهاج
تَئِج کَتهج - آئی آشا اوم زَرَتهوشتر - مَن خَرَتهواج
جیس تیج - یائیش آ آنگهوش پیوروی بوت
یَتهاج آنگهت آیِم آنگهوش + هَزَنگرِم هَئِشتَرنام
(سه بار) آمَه هوتاشتِه هوراذه وِزرهر غشه اهو



ذاتِه وَنَئین تیاوِیچ اوپَرتات + سپِنتَهیچ آر
مَت تیش + آرمَئی تیج سپِنتی اَئِشام تبَئِش
سچیذ یَذوِم پَئیری اوشی واریذوِم هام گو
نیذ رزیذوِم هام زَنو زمبیذوِم آئیپی دِرزوِم
دِرزیذوِم + تَت اَشو مَزدَ وَنت دروَنتِم +
اَشو وَنت دروجیم اَشو وَنت دروَنتِم + آات
آاخت زَرَتهوشتر + اوپ تهوا اَزِم مَئیرِ آنو
وَذبت سپِنتیاو آرمَت یَش دَئِتهرابی اَواشتِت
لئیری + گَئِکرِنَه سوره مَزدَ ذاتِه + گَئِکرِنَم سوِم
مَزدَ ذاتِم یَزمَئیذ + (ازاینجا) اوشی اهوره مَزدا
یَزمَئیذ - وَرِتهرائی ناهرِه سپِنتِه + خَرَتوم اَهوره
مَزدا یَزمَئیذ مِرِتهرائی ناهرِه سپِنتِه + هیزوام
وره مَزدا یَزمَئیذ فرواکائی ناهرِه سپِنتِه +
م گَئیریم یَزمَئیذ یِم اوشیذام اوشیذرِنم دیئی

اَسْنی پَیْئِتی خْشَفْنِ یَسْ بِرْتائی زَاْتْهْرائی + (تا اینجا باشد)
دامیم یَزَمَئیدِ یامْ آرْمَئیتیمْ سْپِنْتامْ پِیرِ داتْهْرِ
اَشْهَچ اَشْئُناچْ اَشَ پَیْئیرِیْنامْ دامَنامْ + اَئِتَتْ
دیمْ ویسْپَنامْ مَزیشْتِمْ دَزْدیائی اَهوچْ رَتوچْ یِیمْ
اَهورِمْ مَزْدامْ سْنْتهائی اَنْگْرِه مَئینْ یِئوشْ دْرْوَتْ
سْنْتهائی اَئِشْمِ خْرو یْدْرَاشْ سْنْتهائی مازَئینْ یَنامْ
دَئوْنامْ سْنْتهائی ویسْپَنامْ دَئوْنامْ وَرِنْیَناچْ دْرو-
تامْ + فْرَدْتهائی اَهورَهِ مَزْدا اَرَئوْتْ خْرَنْگْهَتْ
فْرَدْتهائی اَمِشْنامْ سْپِنْتامْ فْرَدْتهائی تیشْتْرِیِه سْتارِ
رَئوْتْ خْرَنْگْهَتْ فْرَدْتهائی نَرِشْ اَشْئُنْ فْرَدْتهائی
ویسْپَنامْ سْپِنْتِه مَئینْ یِئوشْ دامَنامْ اَشْئُنامْ +
اَشِمْ وُهو (تا سر یکبار) اَهْمائی رَئْشْچَ (تا) دَرِغُ
خْذاتِه اَشِمْ وِهو (تا سر یکبار) پیروزباد برساد
تا سر گفتن -



# اردیبهشت یشت

مس وده و پیروزگر باد مینوی اردیبهشت بلند و آدر و سروش
و بهرام ایزد اشوی و رجاوند هماوند پیروزگر + خْشْنَ اُتْهْرَ اَهورَمَزْدا
اَشِمْ وُهو (سه بار) فْرَوَرانِ مَزْدَیَسْنِ زَرَتْهوشْتْرِیش ویدَئوْ اَهورَتْکَئِش
(هرگاه که باشد) اَشَهِ وَهیشْتَهِ سْرَاْشْتَهِ اَئیرْیَمَنْ ایشْیِه سوَرَهِ مَزْدَذاتَهِ
سْتَئیاوْ ونگهویاوْ داورو وَاْئیتْهْرْیاوْ مَزْدَ ذاتیاوْ اَشْئُنیاوْ
خْشْنَ اُتْهْرَ یَسْناچْ وَهْماچْ خْشْنَ اُتْهْرَ اَیْچْ فْرَسْتیچْ
یَتْهاْ اَهو وَئیرْیُ زَاْتا + (تا سر) مْرَاْتْ اَهورَمَزْدا
خْشَئی زَرَتْهوشْتْرائی + آآتْ بَتْ اَشَ وَهیشْتَ
فْرَدَئی تهیشَ سْپِیتَمَ زَرَتْهوشْتْرَ سْتَئْرَچْ زَاْتَرَچْ
زْباتَرَچْ مانْتْهْرَنْچْ یَسْتَرَچْ آفْرِیتَرَچْ اَئیبی جَرَ-
تَرَچْ ونگهانْ خْشَئِتَ رَاْچاوْ خْنْوَئی تیشْچْ
وَرْزُ اَهْمائِمْ یَسْناچْ وَهْماچْ بَتْ اَمِشْنامْ سْپِنْتامْ +
آآتْ اَاْخْتَ زَرَتْهوشْتْرُ + مْرُوئیذی با وَچْ

## مهریشت . یکم . مهر .

۱ . ایمه . فاه . ع . مردمیکی . رسو . ۲ . ع . ۳ . ع . مهر .
۲ . ع . فاه . ع . مردمیکی . رسو . ۲ . ع . مهر . مهر .
۳ . مهر . ایمه . ع . مهر . مهر . مهر . مهر . مهر .
۴ . مهر . ایمه . ع . مهر . مهر . مهر . مهر . مهر .
۵ . مهر . ایمه . ع . مهر . مهر . مهر . مهر . مهر .

सर्वसत्त्व. सत्यात्म. अनुकम्प.
दीर्घदृष्टि. शील. धर्म. क्षेत्र. दीपशिखर.।
सम्भव. सद्गुण. अनिमित्त.॥

चित्तशुद्धि. सम्यक्. अनुत्पाद. सत्त्वार्थ.।
सम्यक्. अनिमित्त. अनुत्पाद. अनुत्पत्ति. सम्यक्.
सम्यक्. अनिमित्त. अनुत्पाद. अनुत्पत्ति. सम्यक्.
चित्तप्रसादमात्र

सांगे. पेशवेमंडळ. बसलेले.

अमलदार. हाताखाली. असणारे. ते सांगतील. आज. सरदार. दोघांच्या. सांगतात. पेशवे. आणखीही. सांगे. आणखीही. सरदार. पेशवे. सांगे. सरदार. पेशवे. सांगे. सरदार. पेशवे. सांगे

दरम्यान. {ह्मणून. सरळ० । दश्यांत. {ह्मणून. सरळ० । वाईट-दरम्यान. {ह्मणून. सरळ० । {ह्मणून. सरळ० .०। समसूत्रांमध्ये. {ह्मणून. सरळ० । रेषेचे-समसूत्रांमध्ये. {ह्मणून. सरळ० । वाईट-दरम्यान-समसूत्रांमध्ये. {ह्मणून. सरळ० । {ह्मणून. सरळ० । वाईट-दरम्यान-[illegible]. {ह्मणून. सरळ० । वाईट दरम्यान-[illegible]. {ह्मणून. सरळ० । [illegible]-[illegible]-[illegible]. {ह्मणून. सरळ० । [illegible]-[illegible]. {ह्मणून. सरळ० । [illegible]-[illegible]. {ह्मणून. सरळ० । [

१३३८. मनमा. बसदैछन्नन् रामसे। १३३८. म्याङ्गुरामसे। १३३८. बन्नुपर्छ. आफ्नोसमेत। १३३९. बन्नेमा. माथि१। १३३८। म्याङ्गुरामा.

बमन्नुपर्छ. आफ्नोमात्र. बन्नुपर्नेछ॥

अन्तुला. मन्नुपर्छ.

म्याङ्गुरा. मन्नेछ. आफ्नोलाई. अन्नेमात्र.

म्याङ्गुरा. मन्नु. आफ्नो.

मन्नेछ। मन्नेछ. आफ्नोमात्र. अन्नेमात्र.

मन्नेछ. आफ्नो. मन्नु. आफ्नो. मन्नेछ. आफ्नो.

मन्नु. आफ्नो. मन्नु. आफ्नो.

७३. आफ्नोमात्र.

पुरानो. आफ्नो. मन्नेछ॥ मन्नुपर्नेछ॥ ॥

मन्नेछ. मन्नु. बसदैछन्नन्नुपर्नेछ। मन्नु. आफ्नो. मन्नु. आफ्नो. मन्नु. आफ्नो.

अनन्त. चैत्रशुक्ल. उत्तराषाढ. ।

रोहिणी. मकरवृषभस्थ.

शुक्ल. अष्टमी. उत्तराषाढ. ।

अनन्त. चैत्रशुक्ल. उत्तराषाढ. ।

दशमी. मकरवृषभस्थ.

शुक्ल. एकादशी. उत्तराषाढ. ।

अनन्त. चैत्रशुक्ल. उत्तराषाढ. ।

द्वादशी. अनन्तव्रतोद्यापन.

अनन्त. चैत्रशुक्ल. उत्तराषाढ. ।

त्रयोदशी. उत्तराषाढ. ।

अनन्त. चैत्रशुक्ल. उत्तराषाढ. ।

चतुर्दशी. मकरवृषभस्थ.

अनन्त. चैत्रशुक्ल. उत्तराषाढ. ।

पौर्णिमा. मकरवृषभस्थ.

अनन्त. चैत्रशुक्ल. उत्तराषाढ. ।

प्रतिपदा. मकरवृषभस्थ.

अनन्त. चैत्रशुक्ल. उत्तराषाढ. ।

द्वितीया. मकरवृषभस्थ.

अनन्त. चैत्रशुक्ल. उत्तराषाढ. ।

तृतीया. मकरवृषभस्थ.

अनन्त. चैत्रशुक्ल. उत्तराषाढ. ।

चतुर्थी. मकरवृषभस्थ.

अनन्त. चैत्रशुक्ल. उत्तराषाढ. ।

पंचमी. मकरवृषभस्थ.

अनन्त. चैत्रशुक्ल. उत्तराषाढ. ।

षष्ठी. मकरवृषभस्थ.

अनन्त. चैत्रशुक्ल. उत्तराषाढ. ।

सप्तमी. मकरवृषभस्थ.



अनन्त. चैत्रशुक्ल. उत्तराषाढ. । मकरवृषभस्थ. अष्टमी.

अनन्त. चैत्रशुक्ल. उत्तराषाढ. । कन्या. मकरवृषभस्थ.

नवमी. मकरवृषभस्थ. उत्तराषाढ. । चैत्रशुक्ल. अनन्त.

दशमी. मकरवृषभस्थ. उत्तराषाढ. । चैत्रशुक्ल. अनन्त.

एकादशी. मकरवृषभस्थ. उत्तराषाढ. । चैत्रशुक्ल. अनन्त.

द्वादशी. मकरवृषभस्थ. उत्तराषाढ. । चैत्रशुक्ल. अनन्त.

त्रयोदशी. मकरवृषभस्थ. उत्तराषाढ. । चैत्रशुक्ल. अनन्त.

चतुर्दशी. मकरवृषभस्थ. उत्तराषाढ. । चैत्रशुक्ल. अनन्त.

पौर्णिमा. मकरवृषभस्थ. उत्तराषाढ. । चैत्रशुक्ल. अनन्त.

प्रतिपदा. मकरवृषभस्थ. उत्तराषाढ. । चैत्रशुक्ल. अनन्त.

द्वितीया. मकरवृषभस्थ. उत्तराषाढ. । चैत्रशुक्ल. अनन्त.

तृतीया. मकरवृषभस्थ. उत्तराषाढ. । चैत्रशुक्ल. अनन्त.

चतुर्थी. मकरवृषभस्थ. उत्तराषाढ. । चैत्रशुक्ल. अनन्त.

पंचमी. मकरवृषभस्थ. उत्तराषाढ. । चैत्रशुक्ल. अनन्त.

षष्ठी. मकरवृषभस्थ. उत्तराषाढ. । चैत्रशुक्ल. अनन्त.

सप्तमी. मकरवृषभस्थ. उत्तराषाढ. । चैत्रशुक्ल. अनन्त.

ایزدان و مینوان و گیتیان و مردمان و گوسفندان و چارپایان و
آتش و آب و زمین و گیاه و همه نیکی‌ها و پاکی‌ها و
آفرینش‌ها و آفریدگان و آفرینندگان و پاسبانان و
نگهبانان و پیشوایان و راهنمایان و فرمانروایان و
آموزگاران و پیروان و شاگردان و پارسایان و
پرهیزگاران و پاکان و راستان و نیکان و
نیکوکاران و نیکوکاری‌ها و نیکی‌ها و
نیکی‌ها و نیکی‌ها و نیکی‌ها و
نیکی‌ها و نیکی‌ها و نیکی‌ها و
نیکی‌ها و نیکی

اَسْنی پَیْئیتی خْشَفْنِ یَسْ بِرْتائی زَاْتْهْرائی + (تا اینجا شد)
دامیم یَزَمَئیدِ یامْ آرْمَئیتیمْ سْپِنْتامْ پِیرِ داتْهْرِ
اَشْهَچ اَشْئُناچْ اَشَ پَیْئیرْیَنامْ دامَنامْ + اَئِتَتْ
دیمْ ویسْپَنامْ مَزیشْتِمْ دَزْدیائی اَهوچْ رَتوچْ یِیمْ
اَهورِمْ مَزْدامْ سْنْتهائی اَنْگْرِه مَئینْ یِئوشْ دْرْوَتْ
سْنْتهائی اَئِشْمِ خْرو یْدْرَاشْ سْنْتهائی مازَئینْ یَنامْ
دَئوْ نامْ سْنْتهائی ویسْپَنامْ دَئوْنامْ وَرِنْیَناچْ دْرو-
تامْ + فْرَدْتهائی اَهورَهِ مَزْدا اَرَئوْتْ خْرَنْگْهَتْ
فْرَدْتهائی اَمِشْنامْ سْپِنْتامْ فْرَدْتهائی تیشْتْرِیِه سْتارِ
رَئوْتْ خْرَنْگْهَتْ فْرَدْتهائی نَرِشْ اَشْئُنْ فْرَدْتهائی
ویسْپَنامْ سْپِنْتِه مَئینْ یِئوشْ دامَنامْ اَشْئُنامْ +
اَشِمْ وُهو (تا سر یکبار) اَهْمائی رَئْشْچَ (تا) دَرِغُ
خْذاتِه اَشِمْ وِهو (تا سر یکبار) پیروزباد برساد
تا سر گفتن -



# اردیبهشت یشت

مس وده و پیروزگر بادمینوی اردیبهشت بلند و آدر و سروش
و بهرام ایزد اشوی و رجاوند هماوند پیروزگر + خْشْنَ اُتْهْرَ اَهورَمَزْدا
اَشِمْ وُهو (سه بار) فْرَوَرانِ مَزْدَیَسْنِ زَرَتْهوشْتْرِیش ویدَئوْ اَهورَتَکَئِش
(هرگاه که باشد) اَشَهِ وَهیشْتَهِ سْرَاْشْتَهِ اَئیرْیَمَنْ ایشْیِه سوَرَهِ مَزْدَذاتَهِ
سْتَئیاوْ وَنْگْهُیاوْ دُاورو وَاْئیتْهْرْیاوْ مَزْدَ ذاتْیاوْ اَشْئُیاوْ
خْشْنَ اُتْهْرَ یَسْناچْ وَهْمائیچْ خْشْنَ اُتْهْرَ اَیْچْ فْرَسْتیچْ
یَتْهاْ اَهو وَئیرْیُ زَاْتا + (تا سر) مْرَاْتْ اَهورَمَزْدا
خْشَئی زَرَتْهوشْتْرائی + آآتْ بَتْ اَشَ وَهیشْتَ
فْرَدَئی تهیشَ سْپِیتَمَ زَرَتْهوشْتْرَ سْتَئْرَچَ زَاْتَرَچَ
زْباتَرَچَ مانْتْهْرَنْچَ یَسْتَرَچَ آفْرِیتَرَچَ اَئیبی جَرَ-
تَرَچَ وَنْگْهانَ خْشَئِتَ رَاْچا وْ خْنْوَئی تیشْچَ-
وَرْزُ اَهْمائِمْ یَسْناچْ وَهْمائیچْ بَتْ اَمِشْنامْ سْپِنْتامْ +
آآتْ اَاْخْتَ زَرَتْهوشْتْرُ + مْرُوئیذی با وَچْ

ارش - وچ اہورہ مزدہ + یتھا ت انگہن اش
وھیشت فراداھیش سپیتم زرتھوشترستئترچ -
زراترچ زباترچ ماتھرنچ یشترچ آفربیترچ
ائیبی جرترچ ونگہان خشئت راجاوخنوئی
تیشچ ورزو یوشماکم یسائیچ وھمائیچ بت امشنام
سپنتنام + آدیم فرمراوی اشم وھیشتم + یزی فرمراوی
اشم وھیشتم آات انیئشام بت امشنام سپنتنام
ہوائیئنم یم پائیتی مزداو ہومتائیش یم پائیتی
مزداو ہوختائیش یم پائیتی مزداو ہورشتائیش +
گرو نمانِ اہورہ ہوائیئنم + گرہ نمانم اوروی -
استی اشاوائی نئچیش درو تام ائین پئیتیش
گرو نمانم روھو اشائیئتم چیثرم اہورم مزدام +
جن ئیتی ویسپئشام انگرہ مئینیوش اھمائی یاتھوام
پئیریکناچ ائیریمنم ماتھرنام مزنیشتم ماتھرنام



مزنیشتوتم ماتھرنام وھیشتم ماتھرنام وھیشتوتم
ماتھرنام سرئشتم ماتھرنام سرئشتوتم ماتھرنام
اوغزم ماتھرنام اوغزوتم ماتھرنام دزرم -
ماتھرنام دزروتم ماتھرنام وارتھرغنم ماتھرنام
وارتھرغنوتم ماتھرنام بئشزم ماتھرنام بئشزوتم
ماتھرنام + اش بئشزو دات - بئشزو کرت -
بئشزو اوروو - بئشزو ماتھرو - بئشزو بئشزو نام
بئشزوتم بت ماتھرم سپنتم بئشزوی + ی
نرش اشئن ہچ اوروتھوان بئشزیات + اش
زی استی بئشزنام بئشزوتم + یسک اپ - دورت
مہرک اپ - دورت دئو اپ دورت +
پئیتیار اپ - دورت + اشمئع انشو اپ - دورت
شی - ساست اپ - دورت + ازی چیثر
اپ - دورت وھرک چیثر اپ دورت

بیزنگرہ - چیثھر اپ - دوورت + ترو - مرت اپ
دوورت پئیریمیت اپ دوورت تفنو اپ - دوورت
شپزگ اپ - دوورت اناخشت اپ - دوورت
دوژدئیثھر اپ - دوورت + دراگ - واخش
دراجیشت اپ - دوورت جھی یاتومئیتی اپ -
دوورت جھی کخر ذئینی اپ - دوورت وات پئورو
اپاختر اپ - دوورت وات پئورو - اپاختر اپ
نسیت یئچ م اشتئشام یت آژی - چیثھر نام
ی جنت اشام دئو نام ھزنگرائی ھزنگرہ
پئیری بئورائی بئورن پئیتی یسک جئینتی مھرک
جئینتی دئو جئینتی پئیتیار جئینتی اشمئغ انشو -
جئینتی مشی - ساشت جئینتی + آژی - چیثھر
جئینتی دھرک - چیثھر جئینتی بیزنگرہ - چیثھر جئینتی
ترو - مرت جئینتی پئیری مرت جئینتی تفنو جئینتی



رک جئینتی اناخشت جئینتی دوژدئیثھر جئینتی +
راگ - واخش - دراجیشت جئینتی جھی یاتومئیتی
تی جھی کخر ذئینی جئینتی وات پئورو - اپاختر جئینتی
ت پئورو - اپاختر اپ - نسیت یئچ م
شتئشام یت بیئزنگرہ چیثھر نام ی جنت
شام دئو نام - ھزنگرائی ھزنگرہ پئیری -
رائی بئورن - پئیری پئورو نئمات پئت - دئیش
نام دراجیشت انگرمئینیوش پئورو مھرک -
ت انگرمئینیوش + آوی م یغ اش وھیشت
نام یشکتم جنات یشکنام یشکتم تبئشیات + مھرکنام
تم جنات مھرکنام مھرکتم تبئشیات + دئو نام دئوتم
ت دئو نام دئوتم تبئشیات + پئیتیار نام پئیتیارتم
ت پئیتیار نام پئیتیارتم تبئشیات + اشمئغ انشو جنات
انشو تبئشیات + مشی ساشت ساشتم جنات مشی

ساست ساستم تبئیشیات + ازی چیتھر ازی
چیتھرتم جنات ازی - چیتھر ازی - چیتھرتم
تبئیشیات + وھرک چیتھر وھرک چیتھرتم جنات
وھرک - چیتھر وھرک چیتھرتم تبئیشیات + بیزنگر
چیتھر بیزنگر چیتھرتم جنات بیزنگر چیتھر بیزنگر
چیتھرتم تبئیشیات + ترمت جنات ترمت تبئیشیات +
پئیری مت جنات پئیری مت تبئیشیات + تفنو
تفنوتم جنات تفنو تفنوتم تبئیشیات + سپنرگ سپنرگ
تم جنات سپنرگ سپنرگ تم تبئیشیات + اناخشت
اناخشت تم جنات اناخشت اناخشت تم تبئیشیات +
دوژدئیتھر دوژدئیتھرتم جنات دوژدئیتھر -
دوژدئیتھرتم تبئیشیات + درگ واخش دراجیشت
جنات درگ واخش دراجیشت تبئیشیات +
جھی یاتومئیتی جنات جھی یاتومئیتی تبئیشیات +



جھی کخرذئینی جنات جھی کخرذئینی تبئیشیات +
دات پئورو اپاختر جنات دات پئورو اپاختر
تبئیشیات + دات ایرو اپاختر جنات دات ایرو
اپاختر تبئیشیات + دات ایرو اپاختر اپئیسیات +
دروخش نسیات دروخش دوراث دروخش
وینسیات اپاخذر اپئیسیھی مامرنجئی نیش گئھا
اشدئی تیش اشہ + اھ ری خرنگھ - تم
یزائی - سورونوت یسن - اشم وھیشتم سرئشتم
امشم سپنتم زاتھرابی + اشم وھیشتم سرئشتم
امشم سپنتم یزمئید - ھئم ری گوئ برسمن
ھینرو دنگھنگہ ماتھرج - وچج تشکی اتھنج -
زاتھرابیج - ارشو خذائی بیج واغزیبی +
ینگہ ھاتام آات یسن پئیتی ونگہ مزداوھو
وئتھا اشات ھچا یاونگھاچاتاسچا تاوسچا یزمئید +

یَتھا اَھو وَئیری (دوبار) یَسنیچ وَھمیچ اَاَجسیچ
زَوَرِچ آفرینامی اَشَہِ وَھیشتَہِ سَرَاُشتَہِ۔
آبیرِیمَن ایشیہِ سوَردِ مَزدَذاتَیاوُ سَئکیاوُ وَنگھویاوُ وَاو۔
رو دائیتھریاوُ مَزدَذاتَیاوُ اَشَئیاوُ + اَشِم وُھو (یکبار)
اَھمائی رَئشچ (تا) دَرِغ خَذاتَہِ پیروزباد برساد

# سروش یشت سرشب

مس وده و پیروزگرباد مینوی سروش ایزد اشوی ورجاوند هماوند
پیروزگر زدار دیو و درج سروش اشوی تخمان
تگی فانه مان تن نگهدار روان دیده بان روز
پاسبان شب نگهدار تن و روان ماوشما وهما
ایران و وهان وه دینان بسته کشتیان و نیکان
وهان هفت کشور زمین سروش ایزد باد مس
وده و پیروزگرباد مینوی اردیبهشت بلند و آدر
و سروش و ورهرام ایزد پیروزگر باد خشنَ اُتھرَ



آھورَہِ مَزداا اَشِم وُھو (تاسرسه بار) فَرَوَرانِ مَزدَیَسنَ
زَرَتھوشترِیش دیدَئوُ آھورَتکَئِش (هرگاه که باشد) سَر۔
اُشَہِ اَشیہِ تَخمَہِ تَنوماَتھرَہِ دَرشی دَراُشُ آھو۔
مَیرِیہِ خشنَ اُ[illegible]یچ خشنَ اُتھرایچ
فَرَستَئیچ + یَتھا [illegible]تا (تاسر) (کرده
نخت) سَراُشِم [illegible] وِرِتھرَاجَنِم فرادَت۔
گَئیتِم اَشَوَنِم [illegible]ہد + مَی پَئیری
مَزداوُ دامانُ - فَرَستَرِتات پیتی بَرِسمَنَ یَزَت
آھورِم مَزداامُ - یَزَتَ اَمِش سپنت - یَزَت
پایو تھوُرِشتارَ - یا ویسپَ تھوُرَستَ دامانُ +
اَہِ رَی خَرِ ہَنگھیچ - اَنگَہِ اَم وِرِتھرَ غَنیچ - اَہِ
یَسنَ یَزَتَنامُ - تَم یَزائی سورونوَت یَسنَ +
سَراُشِم اَشیم زاُتھرائی - اَشیچ وَنگوھیم پَرَئیتِم۔
تَرِیچ سَنگھم ہورَاذِم + اَچ نَ جَمیات اُونگَہِ۔

# اردیبهشت یشت

## دعای آب و آبادی و سرسبزی *

(۱ تا ۱۴)

۱ آب را می‌ستایم. آب را می‌ستایم. آب را می‌ستایم.

सदयेव। ज्ञानेश्वरांचेनि अंगें। अंगेंचि होय। ज्ञानेश्वरांचेनि
वेगें॥१३॥ ॥ ज्ञानेश्वरांचेनि वेगें। ज्ञानेश्वरांचेनि अंगें॥
ज्ञानेश्वरांचेनि। ज्ञानेश्वरांचेनि। ज्ञानेश्वरांचेनि॥ ज्ञा-
न

ปัญหาเรื่องการเมืองไทยในช่วงเวลาที่ผ่านมาดูเหมือนจะไม่มีวันจบสิ้น ทั้งๆ ที่ทุกฝ่ายต่างก็ออกมาพูดว่าตนเองต้องการให้บ้านเมืองมีความสงบสุข ทั้งๆ ที่ทุกฝ่ายต่างก็ออกมาพูดว่าตนเองต้องการให้ประชาชนมีชีวิตที่ดีขึ้น ทั้งๆ ที่ทุกฝ่ายต่างก็ออกมาพูดว่าตนเองต้องการให้ประเทศชาติเจริญก้าวหน้า ทั้งๆ ที่ทุกฝ่ายต่างก็ออกมาพูดว่าตนเองต้องการให้ประชาธิปไตยเกิดขึ้นในประเทศไทย ทั้งๆ ที่ทุกฝ่ายต่างก็ออกมาพูดว่าตนเองต้องการให้ประเทศไทยมีนายกรัฐมนตรีที่ดีมีคุณธรรม ทั้งๆ ที่ทุกฝ่ายต่างก็ออกมาพูดว่าตนเองต้องการให้ประเทศไทยมีรัฐบาล

प्रियतमे ! त्वयि मयि च सर्वदा समानः स्नेहः । तथापि मम हृदयं त्वदर्थं व्याकुलीभवति । त्वं तु मां विहाय गन्तुं समुद्यतासि । किं करोमि । किं वदामि । किं विधत्से । किं करवाणि । किं करवाणि । किं करवाणि

بنام خداوند بخشایندهٔ بخشایشگر مهربان

# الفبای اوستا یا دین دبیره

| شماره | اوستا | فارسی | مثال | تلفظ |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | | آ | | ابرو |
| ۲ | | آ | | آب |
| ۳ | | ئی (کوتاه) | | ایراد |
| ۴ | | ئي (کشیده) | | شیر |
| ۵ | | او (کوتاه) | | سبو |
| ۶ | | او (کشیده) | | نور |
| ۷* | | اِ (در وسط و آخر کلمه) | | آبِ رو |
| ۸ | | اِ (کوتاه) | | پدر |
| ۹† | | اِ (کشیده) | | گِئوش بمعنی گاو |
| ۱۰ | | رْ (مشدّد) | | پرّست بمعنی پرسیدن |
| ۱۱ | | اُ (کوتاه) | | پُر |
| ۱۲ | | اُ (کشیده) | | اُنس |
| ۱۳ | | آوْ | | ناو |
| ۱۴ | | آن (ن فارسی) | | اندر |
| ۱۵‡ | | اَن (آ در بینی تلفظ میشود) | | آخن بمعنی لگام |

* حرف همان است میباشد که در آخر کلمه دنباله دار میشود گاهی درمیان کلمه هم استعمال شده است

† حرف شمارهٔ ۹ معمولاً در وسط واژه میآید فقط چند لغتی درگاتها با این حرف شروع میشود

‡ * حرف شمارهٔ ۱۵ آ فارسی است که در بینی تلفظ میشود ما برای تمیز در نگارش فارسی اوستا ن کوچکی را بالای آ گذاشتیم



| شماره | اوستا | فارسی | مثال | تلفظ |
|---|---|---|---|---|
| ۱۶ | | کَ | | کام |
| ۱۷ | | خَ | | خرد |
| ۱۸ | | خ (مانند خ فارسی که پیش از واو معدوله نوشته میشود) | | خوردن |
| ۱۹ | | گَ | | گام |
| ۲۰ | | غَ | | باغ |
| ۲۱ | | آنگ | | گنگ |
| ۲۲ | | چَ | | چهار |
| ۲۳ | | جَ | | جان |
| ۲۴ | | زَ | | زمین |
| ۲۵ | | ژَ | | ژرف |
| ۲۶§ | | آنگ (مانند ڭ تلفظ میشود) | | سراوینگه بمعنی آگاه ساختن |
| ۲۷§§ | | تَ | | تن |
| ۲۸ | | تهْ | | تهوخش بمعنی تخشا |
| ۲۹ | | دَ | | درس |
| ۳۰ | | ذَ | | ذات |
| ۳۱ | | نَ | | نرم |
| ۳۲ | | پَ | | پرهیز |
| ۳۳ | | فَ | | فارغ |
| ۳۴ | | بَ | | بازار |

§ که این حرف مانند ڭ میباشد اما همیشه پیش از که بحرف ختم شده باشد استعمال میشود

§§ همان است که در آخرکلمه باین شکل نوشته میشود در برخی واژه ها در اول بکار برده میشود در صورتیکه پیش از و یا باشد مانند

| شماره | اوستا | فارسی | مثال | تلفظ |
|---|---|---|---|---|
| ۳۵ | (مانند w انگلیسی است) | وَ | [illegible] | اوستا |
| ۳۶ | [illegible] | مَ | [illegible] | مرغ |
| ۳۷ | [illegible] | یَ (در سر واژه) | [illegible] | یاور |
| ۳۸ | [illegible] | یَ (درمیان واژه) | [illegible] | بسیار |
| ۳۹ | [illegible] | رَ | [illegible] | رفتار |
| ۴۰ | [illegible] | وَ (در سر واژه) | [illegible] | وارد |
| ۴۱ | [illegible] | وَ (درمیان واژه) | [illegible] | روان |
| ۴۲ | [illegible] | سَ | [illegible] | سرو |
| ۴۳ | [illegible] | شَ | [illegible] | شاد |
| ۴۴ | [illegible] | هَ | [illegible] | هوا |
| ۴۵ | [illegible] | لَ | [illegible] | لب |
| ۴۶ | [illegible] | وَ (واژه پهلوی) | بمنزله از فلان جا (تا) فلان جا | |
| ۴۷ | ا | حرفی است که مصراع شعر را از هم جدا میکند | | |
| ۴۸ | [illegible] | نشانی تمام شدن جمله است | | |

حروف ۳۵ تا در زیر شماره های ۳۷ و ۴۰ مثل حروف بزرگ فرانسه و انگلیسی است که در سر واژه نوشته میشود و حروف شماره ۳۸ و ۴۱ درمیان لغت بکار برده میشود. حرف [illegible] شمارهٔ ۳۷ در بعضی نسخ بجای ۳۵ استعمال شده است

حرف [illegible] در زیر شمارهٔ ۴۵ در اوستا یافت نمیشود اما در ادبیات پهلوی و پازند بسیار است

حرف [illegible] آو شمارهٔ ۱۳ با کلمه [illegible] آ' تلفظ میشود و در سایر جاها « آو »

[illegible]

[illegible]

(۱) [illegible] (۲) [illegible]
(۳) [illegible] (۴) [illegible]
(۵) [illegible] (۶) [illegible] (۷)
[illegible] (۸) [illegible] (۹)
[illegible] (۱۰) [illegible] (۱۱) [illegible]
[illegible] (۱۲) [illegible] (۱۳)
[illegible] (۱۴) [illegible] (۱۵)
[illegible] (۱۶) [illegible] (۱۷) [illegible]
(۱۸) [illegible] (۱۹) [illegible] (۲۰) [illegible]
(۲۱) [illegible] (۲۲) [illegible] (۲۳) [illegible]
(۲۴) [illegible] (۲۵) [illegible]
(۲۶) [illegible] (۲۷) [illegible]

* برای بخش فارسی صفحه ۲ دیده شود